



# تورپاق

ویژه نامه ۲۴ مهر

۱۴۰۳

## زیندشتی

بیر کاغدی غرب آذربایجان،

قطعه ای از پازل بزرگ

# توپراق

ویژه‌نامه ۲۴ مهر، روز مباره با  
تروریسم در آذربایجان جنوبی



تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان (دیرنیش)

## توپراق دان پای اولماز...

تکثیر و پخش این جزوه وظیفه ملی و میهنی هر تورک آذربایجانی است.

# فهرست

- ۵ ■ برای ۲۴ مهر روز مبارزه با تروریسم در آذربایجان جنوبی
- ۷ ■ چرا ناجی شریفی زنددشتی؟!
- ۹ ■ کوتاه در مورد ناجی شریفی زنددشتی
- ۱۳ ■ ارتباطات مافیایی و تروریستی باند زنددشتی و سیمیتقو در غرب آذربایجان: همدستی با رژیم و تهدید علیه ملت آذربایجان
- ۱۵ ■ خانواده قریشی حلقه اتصال باند زنددشتی با بیت رهبری
- ۱۸ ■ تلاش‌های جمهوری اسلامی برای تطهیر چهره ناجی شریفی زنددشتی در غرب آذربایجان
- ۲۰ ■ تلاش برای مهندسی انتخابات مجلس در اورمیه و غرب آذربایجان توسط ناجی شریفی زنددشتی
- ۲۳ ■ هدف جمهوری اسلامی از «پروژه زنددشتی» چیست؟!
- ۲۴ ■ زنددشتی؛ ببر کاغذی غرب آذربایجان، قطعه‌ای از پازل بزرگ
- ۲۸ ■ مسئله تروریسم در غرب آذربایجان و تاکتیک صحیح مبارزاتی
- ۳۱ ■ تروریسم گردی و پیامدهای آن
- ۳۴ ■ بیانیه تحلیلی سازمان‌های سیاسی آذربایجان جنوبی در خصوص انتخابات نمایشی ۱۱ اسفند و توطئه‌های رژیم در غرب آذربایجان
- ۳۸ ■ تصاویر

اورمیه به تحرکات ایذایی و تبلیغی پرداختند  
در آن سال‌ها علیرغم هشدار عقلای قوم و فعالین ملی آذربایجان به مقامات سیاسی و امنیتی، عناصر هوادار تروریسم در حمایت کامل یگان ضد شورش و لباس شخصی‌ها در پارک تخم‌مرغی اورمیه به شوه‌های تبلیغاتی پرداختند. نهایتاً فراخوان «تجمع ۲۴ مهر برای مقابله با تروریسم» برای ساعت پنج عصر در شهرهای مختلف از طرف فعالین ملی منتشر شد

مقامات امنیتی و سیاسی و قضایی جمهوری اسلامی ایران که با چراغ سبز و مماشات معنی‌دار تحرکات و شوه‌های تبلیغی هواداران تروریست فعال در غرب آذربایجان را تماشا می‌کردند، به یکباره فضا را برای فعالین ملی آذربایجان برای اعتراض به «تروریسم» امنیتی و با احضار و تهدید فعالین ملی سعی در ممانعت از شروع تجمع اعتراضی نمودند؛ اما جوانان آذربایجانی عصر روز ۲۴ مهر ۱۳۹۳ با ازاداهی انقلابی در خیابان امام و عطایی اورمیه توانستند فضای امنیتی را شکسته و علیرغم حملات یگان ویژه ضد شورش، فریاد اعتراضی خود علیه تروریسم فعال در غرب آذربایجان را بلند کنند. شهرهای تبریز، اردبیل، سولدوز و سلماس نیز شاهد حمایت فعالین ملی و جوانان آذربایجانی از تجمع اعتراضی ۲۴ مهر بود

در عصر روز پنجشنبه ۲۴ مهر ۱۳۹۳ علی‌رغم یادگانیزه شدن شهر اورمیه، احضار بیش از

# برای ۲۴ مهر روز مبارزه با تروریسم در آذربایجان جنوبی

سردبیر

نیز کشیده شد و با اشغال شهر عین‌العرب (کوبانی) و تصفیه خونین «عرب‌ها» توسط تروریست‌های پ.ک.ک. افکار مالی‌اخولایی رهبران این گروه تروریستی موجب تحریک هیجان عناصر هوادار آن در غرب آذربایجان گردید  
عناصر هوادار گروه تروریستی پ.ک.ک. که به صورت سنتی از طرف وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران حمایت می‌شوند با چراغ سبز ارگان‌های امنیتی جمهوری اسلامی در شهرهای مختلف غرب آذربایجان خصوصاً شهر

بعضی از روزها در تاریخ ملت‌ها به یک سمبل ماندگار تبدیل شده و بخشی از تاریخ آن ملت را تشکیل می‌دهند. ۲۴ مهر ۱۳۹۳ از جمله‌ی این روزهاست که حرکت ملی آذربایجان توانست مرزبندی خود را به صورت آشکار و میدانی با مسئله «تروریسم فعال در غرب آذربایجان» ترسیم کند  
در حالی که تب تحولات سیاسی و نظامی جنگ داخلی سوریه از مرزهای بین‌المللی آن عبور کرده بود، تأثیرات فعالیت‌های نظامی گروه تروریستی پ.ک.ک. در سوریه تا غرب آذربایجان

چهل نفر از فعالین ملی و اخذ تعهد کتبی از آنها برای عدم خروج از منازل خود، ایجاد جو رعب و وحشت توسط موتورسوران سیاه پوش یگان ویژه نیروی انتظامی، بازداشت بین از ۳۵ نفر از حاضرین در تجمع ضد تروریستی، مسدود نمودن ورودی شهر و بازداشت فعالین ملی سولدوز که عازم اورمیه بودند، ضرب و شتم وحشیانه فعالین ملی و اختلال اینترنت و تلفن‌های همراه، مردم غیرتمند شهر اورمیه برای دفاع از کیان سرزمین خود با شعار "نه به تروریسم" در میدان حاضر شدند

باگذشت ده سال از آن تجمع اعتراضی علیه تروریسم، شاهد تحولات بسیار جدی در مسائل سیاسی، امنیتی و نظامی منطقه هستیم. تحولات سوریه، شمال عراق، جنگ دوم قاراباغ و عملیات ضد ترور ارتش مظفر آذربایجان و نهایتاً آزادی اراضی اشغالی قاراباغ و همچنین جنگ اوکراین و یورش ستیزه جویان حماس به اسرائیل، مهره‌های شطرنج سیاسی منطقه را دوباره چید

کارگردانان و بازیگران منطقه‌ای سناریوهای جدیدی را بازی می‌کنند؛ اما تک سناریویی که هنوز بر روی میز کارگردانان و بازیگران منطقه‌ای پایان نیافته همانا مسئله آذربایجان جنوبی و منطقه غرب آذربایجان هست. وجود منابع سرشار زیرزمینی و روزمینی در آذربایجان جنوبی موجب گردیده این منطقه همچنان در ثقل تحولات قرار گیرد

احزاب سیاسی و رهبران حرکت ملی آذربایجان بارها و در هر بهانه‌ای اعلام نموده‌اند که علیرغم توطئه‌های تهران علیه تمامیت ارضی آذربایجان و حمایت علنی‌اش از گروه‌های تروریستی، تمامیت ارضی آذربایجان خصوصاً در سواحل دریای خزر و غرب آذربایجان خط قرمز ملت آذربایجان بوده و با اتکا به «حق دفاع مشروع» از هر ابزاری برای خنثی نمودن این توطئه‌ها استفاده خواهند نمود

لذا به نظر می‌رسد در این شرایط بحرانی مسئله تشکیلات گرای و انسجام تشکیلاتی و فعالیت‌های ایجابی و میدانی علیه «فاشیسم و تروریسم» به یک ضرورت تاریخی غیرقابل انکار تبدیل شده است

تجربیات گران‌قدر حرکت ملی آذربایجان در مسئله سازمان‌دهی گروه‌های زیرزمینی مانند «کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان» و «اتحادیه جوانان غرب آذربایجان» نشان داده که فاشیسم و تروریسم هیچ ابایی از فعالیت‌های پوپولیستی و انفرادی فعالین ملی نداشته و واهمه آنها از سازمان‌دهی تشکیلاتی و فعالیت‌های خیابانی مشابه ۲۴ مهر ۱۳۹۳ می‌باشد

بنابراین تأکید بر تکرار حضور خیابانی علیه تروریسم و توطئه‌های فاشیسم علیه تمامیت ارضی آذربایجان و همچنین مکتوب نمودن روزهای تاریخی مانند ۲۴ مهر ۱۳۹۳ و انتقال تجربیات آن روزها به نسل جوان نیز از ضرورت‌های بسیار جدی است

همکاری نه تنها به منافع شخصی زیندشتی بلکه به منافع کلی جمهوری اسلامی نیز خدمت می‌کند

زیندشتی همچنین با گروه تروریستی پ.ک.ک ارتباطاتی برقرار کرده است. این ارتباطات به او این امکان را داده تا از طریق این گروه به دور زدن تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی پردازد. استفاده از پ.ک.ک به عنوان یک واسطه، به جمهوری اسلامی اجازه می‌دهد تا از منابع مالی و نظامی بیشتری بهره‌برداری کند

یکی از جنبه‌های دیگر فعالیت‌های زیندشتی، همکاری او با جمهوری اسلامی در انتقال سلاح‌های به ارمنستان و تجهیز این کشور در برابر جمهوری آذربایجان است

همچنین جمهوری اسلامی از زیندشتی برای پیشبرد سیاست‌های تغییر ترکیب جمعیتی و مدیریتی آذربایجان غربی به نفع کردها استفاده می‌کند. این سیاست‌ها به ایجاد دیوار حائل بین جمهوری ترکیه و آذربایجان جنوبی کمک کرده و موجب تضعیف هویت ترک‌ها در این منطقه می‌شود در کنار این مسائل جمهوری اسلامی به منظور تطهیر چهره زیندشتی، اقدام به ایجاد مؤسسات خیریه و ساخت مدارس در آذربایجان غربی کرده است. همچنین، با آزاد کردن زندانیان مالی و تقدیر از زیندشتی به عنوان خیر مدرسه‌ساز، تلاش می‌کند تا تصویر مثبتی از او در جامعه ایجاد کند. این تلاش‌ها شامل مجبور

## چراناجی شریفی زیندشتی؟!!

که نه تنها در دنیای تبهکاری بلکه در دنیای سیاست نیز نقش آفرینی کند. این روابط به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی برای جمهوری اسلامی حیاتی بوده و به عنوان ابزاری برای کنترل و نفوذ در مناطق مختلف عمل کرده‌اند جمهوری اسلامی از زیندشتی به عنوان ابزاری برای حذف مخالفان خود استفاده کرده است. او با نفوذ در گروه‌های تبهکاری، اقدام به تهدید و ترور مخالفان می‌کند و به این ترتیب، به هدف جمهوری اسلامی در سرکوب کمک می‌کند. این

ناجی شریفی زیندشتی، فردی که به عنوان یکی از عناصر کلیدی جمهوری اسلامی در ارتباطات تبهکاری و کارتل‌های مواد مخدر شناخته می‌شود، در سال‌های اخیر در راستای پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی به‌ویژه در آذربایجان غربی فعالیت‌های مشکوکی را به عهده داشته است

زیندشتی به عنوان یک فرد با نفوذ در دنیای زیرزمینی، روابط گسترده‌ای با کارتل‌های مواد مخدر و گروه‌های تبهکاری برقرار کرده است. این ارتباطات به او این امکان را داده است

کردن مسئولان استانی و نمایندگان مجلس از شهر اورمیه به حضور در برنامه‌های تقدیر از زیندشتی و سخنرانی به نفع او نیز می‌شود  
زیندشتی با استفاده از ارتباطات خود با گروه‌های تبهکاری، پ.ک.ک و همکاری با جمهوری اسلامی، به‌عنوان یک عنصر کلیدی در تغییرات سیاسی و اجتماعی آذربایجان غربی عمل کرده است

**در این شماره نشریه توپراقی که به مناسبت «۲۴ مهر، روز مبارزه تروریسم در آذربایجان جنوبی» منتشر می‌شود به بررسی ابعاد بیشتری از پروژه «زیندشتی» در غرب آذربایجان خواهیم پرداخت**



او به زندان اوین فرستاده شد و به حبس ابد محکوم شد. با این حال، این محکومیت طولانی مدت به سرانجام نرسید. در سال ۱۳۷۶، زیندشتی و اسفندیار، در جریان انتقال به دادگاه برای شهادت در مورد یک پرونده دیگر، یکی از مأموران محافظ را به قتل رسانده و موفق به فرار شدند. پس از این فرار، اسفندیار به پاکستان رفت و ناجی مسیر خود را به ترکیه کج کرد. فعالیت‌های قاچاق مواد مخدر زیندشتی در ترکیه و ایران ادامه داشت تا در سال ۱۳۸۶ وی دوباره توسط نیروهای مبارزه با مواد مخدر استان آذربایجان غربی بازداشت و به اداره اطلاعات استان تحویل داده شد. پس از محاکمه در دادگاه انقلاب اورمیه به اعدام محکوم شد، اما به خواسته اداره اطلاعات از زندان آزاد شد و به ترکیه فرار کرد و این سرآغازی بود بر همکاری سازمان یافته زیندشتی با نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی. زیندشتی در ترکیه به فعالیت‌های تبهکارانه خود ادامه داد. در ۲ مهر ۱۳۸۶، در منطقه بویوک چکمهجه استانبول با بیش از ۷۷ کیلو هروئین دستگیر شد. او در آن زمان با استفاده از نام مستعار «کمال شریفی سیدانی» در تلاش بود هویتش را پنهان کند. با این حال، در جریان بازجویی و محاکمه به دلیل همکاری با مقامات ترک و ارائه اطلاعات ارزشمند درباره مسیرهای قاچاق، توانست

## کوتاه درباره ناجی شریفی زیندشتی

از ورود به دنیای قاچاق تا تبدیل به ابزار سیاسی - میدانی جمهوری اسلامی

ناجی شریفی زیندشتی، در سال ۱۳۵۳ در روستای زیندشت شهرستان سلماس، در خانواده‌ای پرجمعیت متولد شد. خانواده او شامل پنج خواهر و دو برادر بود. پدرش، گرگین (ابراهیم) شریفی، در سال ۱۳۶۲ در جریان درگیری بین حزب دموکرات کردستان و نیروهای سپاه پاسداران در منطقه انزل اورمیه کشته شد. همچنین، برادر بزرگ‌تر او، فرهنگ، نیز در این درگیری‌ها به هلاکت رسید. این اتفاقات نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت و سرنوشت آینده ناجی داشت.

از دست دادن دو عضو خانواده در چنین شرایط خشونت‌آمیزی، زیندشتی را به سمت نوعی حس انتقام و خشونت هدایت کرد که در سال‌های بعدی زندگی او در مسیر مجرمانه‌اش نقش اساسی ایفا کرد. در دوران نوجوانی، زیندشتی به دلیل محیط متشنج منطقه و از دست دادن اعضای خانواده، به سرعت وارد دنیای قاچاق و خلافکاری شد.

زیندشتی فعالیت‌های مجرمانه خود را در زمینه قاچاق مواد مخدر در اواخر دهه ۱۳۷۰ آغاز کرد. او در سال ۱۳۷۴ به همراه اسفندیار ریگی، یکی از قاچاقچیان مواد مخدر، در جریان یک معامله بزرگ دستگیر شد. این دستگیری در خانه خودش در اورمیه اتفاق افتاد و پس از انتقال به تهران و تحقیقات گسترده،

مجازات خود را کاهش دهد. او حتی به‌عنوان خبرچین علیه برخی از همکاران خود شهادت داد و در سال ۱۳۸۹ با هویتی جعلی از زندان آزاد شد.

زیندشتی در این دوره نه‌تنها علیه قاچاقچیان دیگر همکاری کرد، بلکه به افشای رشوه‌هایی که توسط قضات ترک دریافت شده بود نیز پرداخت. این افشاگری‌ها و همکاری‌های آشکار او موجب شد تا در میان قاچاقچیان دیگر به‌عنوان یک خبرچین بدنام شود.

در سال ۱۳۹۳، زیندشتی بهای سنگینی برای همکاری‌های خود پرداخت. دختر ۱۹ ساله‌اش، اوین (آرزو)، در یک کمین در استانبول به ضرب گلوله کشته شد. این قتل به‌عنوان انتقام‌جویی از سوی باندهای رقیب و به‌ویژه باندهایی که در پرونده کشتی یونانی «نور وان» دست داشتند، صورت گرفت. کشتی «نور وان» با دو تن هروئین در آتن توقیف شد و زیندشتی به‌عنوان مظنون اصلی افشای این محموله شناخته می‌شد.

پس از مرگ دخترش، زیندشتی به کمک گروه تروریستی پ.ک.ک دست به انتقام‌جویی زد. او حدود ۳۰ نفر از سرمایه‌گذاران و عوامل مرتبط با کشتی «نور وان» را به قتل رساند. یکی از افرادی که در این انتقام‌گیری کشته شد، پرویز کشاورز از طایفه فنکی شکاک بود. از آن زمان، طایفه فنکی نیز در صدد انتقام‌گیری از زیندشتی برآمده است.

## زیندشتی و سپاه پاسداران: ائتلافی برای تبهکاری، جرائم سازمان‌یافته و حذف مخالفان جمهوری اسلامی

سپاه پاسداران ایران طی چند دهه گذشته به‌عنوان یک قدرت نظامی و امنیتی در منطقه شناخته شده است، اما در کنار این نقش رسمی، شاخه‌های زیرزمینی آن درگیر فعالیت‌های گسترده قاچاق مواد مخدر نیز شده‌اند. زیندشتی یکی از افراد کلیدی است که با سپاه پاسداران در این حوزه همکاری می‌کند. او با استفاده از روابط نزدیک خود با مقامات بلندپایه سپاه، موفق به کنترل بخش بزرگی از بازار مواد مخدر ایران شده است.

اطلاعات فاش شده حاکی از آن است که بیش از ۳۵ درصد از مواد مخدر توزیع‌شده در تهران مستقیماً تحت کنترل زیندشتی قرار دارد. او نه‌تنها بازار تهران بلکه بخش‌های زیادی از ترانزیت مواد مخدر در سراسر ایران را نیز در دست دارد. این فعالیت‌ها شامل قاچاق مواد مخدر از افغانستان به ایران و از آنجا به کشورهای اروپایی است. زیندشتی با همکاری سپاه پاسداران، به‌ویژه در مسیرهای شرقی ایران، به انتقال مواد مخدر از افغانستان کمک کرده و توانسته است بخش قابل توجهی از بازار قاچاق مواد مخدر در ایران و منطقه را در دست بگیرد.

## جنگ باندهای مواد مخدر در داخل سپاه: اعدام‌ها و تسویه حساب‌های خونین

سپاه پاسداران ایران درگیر جنگ‌های داخلی میان باندهای قاچاق مواد مخدر است که به تسویه حساب‌های خونین میان این گروه‌ها منجر شده است. این جنگ قدرت بر سر کنترل مسیرهای قاچاق مواد مخدر و سهم‌بری از سود عظیم این تجارت غیرقانونی است. زیندشتی و باند او در این رقابت‌ها، جایگاه برتری را به دست آورده‌اند، اما در همین راستا، موجی از اعدام‌های متهمان مواد مخدر در ایران رخ داده است.

اعدام‌هایی که به‌عنوان برخورد با متهمان مواد مخدر در ایران معرفی شده‌اند، در واقع نتیجه تسویه حساب‌های داخلی میان باندهای مختلف قاچاق مواد مخدر درون سپاه پاسداران است. این تسویه حساب‌ها در جهت حذف رقبای زیندشتی و تقویت موقعیت او در بازار مواد مخدر صورت گرفته‌اند. زیندشتی با استفاده از حمایت‌های بالادستی از سوی سپاه و مقامات اطلاعاتی، توانسته است بسیاری از رقبای خود را حذف کند و سهم عمده‌ای از تجارت مواد مخدر در ایران را به خود اختصاص دهد.

## باشگاه دوستان: شبکه‌ای از مقامات ارشد برای حمایت از زیندشتی

یکی از مهم‌ترین ابزارهای زیندشتی برای تثبیت موقعیت خود در بازار مواد مخدر ایران، ایجاد یک شبکه از نزدیکان در مقامات بالای حکومت بوده است. این شبکه که با عنوان «باشگاه دوستان» شناخته می‌شود، شامل برخی از مقامات ارشد سپاه پاسداران، اعضای شورای امنیت ملی، شهرداری تهران و حتی نمایندگان مجلس است. زیندشتی با پرداخت رشوه‌های سنگین به این مقامات، از حمایت بی‌قیدوشرط آنان برخوردار شده و از این طریق توانسته است به یکی از بازیگران اصلی در بازار مواد مخدر ایران تبدیل شود.

علی شمخانی، دبیر پیشین شورای امنیت ملی، یکی از اعضای کلیدی این باشگاه است. طبق گزارش‌ها، او سالانه میلیون‌ها دلار رشوه از زیندشتی دریافت می‌کرد و درعین حال مواد مخدر مصرفی خود را نیز از او تهیه می‌کرد. این همکاری نزدیک با زیندشتی در نهایت باعث شد تا نقش شمخانی در این شبکه تهکار افشا شود و او ناچار به کناره‌گیری از دبیری شورای امنیت ملی شد. شمخانی که به‌عنوان حلقه ارتباط اصلی زیندشتی با وزارت اطلاعات ایران شناخته می‌شود، نقشی کلیدی در هماهنگی عملیات قاچاق مواد مخدر و همچنین ترور و ربودن مخالفان جمهوری اسلامی داشته است.

## قاچاق مواد مخدر به اروپا: همکاری با نهادهای امنیتی

یکی از دیگر زمینه‌های فعالیت زیندشتی، قاچاق مواد مخدر به اروپا با همکاری مستقیم نهادهای امنیتی ایران است. وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران برای تأمین منابع مالی غیرقانونی خود از قاچاق مواد مخدر به اروپا استفاده می‌کنند و زیندشتی در این حوزه به‌عنوان یکی از مهره‌های کلیدی عمل می‌کند. او با بهره‌گیری از شبکه‌های قاچاق بین‌المللی خود، مسیرهای اصلی ترانزیت مواد مخدر از ایران به اروپا را در کنترل دارد و از این طریق به تأمین مالی عملیات‌های امنیتی جمهوری اسلامی کمک می‌کند.

## استراتژی‌های زیندشتی برای نفوذ در ساختار قدرت

زیندشتی به‌خوبی آگاه است که بدون داشتن روابط قوی درون حکومت، نمی‌تواند موقعیت خود را حفظ کند. او در این راستا تلاش کرده است تا به مقامات کلیدی جمهوری اسلامی، به‌ویژه مقامات اطلاعاتی و امنیتی، نزدیک شود. در اوایل فعالیت‌های خود در ایران، او به سراغ مقامات محلی در خراسان و سیستان و بلوچستان رفت تا از طریق این مسیرها کنترل بر بازار مواد مخدر را به دست گیرد؛ اما خیلی زود تصمیم گرفت به مرکز قدرت، یعنی تهران، نقل‌مکان کند و به حلقه‌های بالاتر حکومت نفوذ کند.

زیندشتی با استفاده از تجارب قبلی خود در ترکیه که به او در قاچاق مواد مخدر به اروپا کمک کرده بود، توانست اعتماد مقامات ارشد وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران را جلب کند. او همچنین از رابطه نزدیکی که با علی شمخانی داشت، بهره‌برداری کرد و با افزایش نفوذ خود در ساختار حکومتی، نقش کلیدی در مدیریت مسیرهای قاچاق مواد مخدر ایران به اروپا ایفا کرد.

## ترور و ربودن مخالفان: مأموریت دیگر زیندشتی

زیندشتی علاوه بر قاچاق مواد مخدر، در ترور و ربودن مخالفان جمهوری اسلامی نیز با نهادهای امنیتی ایران همکاری داشته است. در طول سال‌های گذشته، گزارش‌های متعددی از دست داشتن او در ترور برخی از مخالفان برجسته جمهوری اسلامی منتشر شده است. او با استفاده از شبکه‌های قاچاق و ارتباطات نزدیک خود با مقامات امنیتی، توانسته است در عملیات‌های حذف فیزیکی مخالفان نقش داشته باشد. این همکاری‌ها به او اجازه داده تا ضمن برخورداری از حمایت‌های حکومتی، در فعالیت‌های غیرقانونی خود نیز مصونیت داشته باشد. روابط نزدیک ناجی شریفی زیندشتی با دستگاه‌های امنیتی ایران و به‌ویژه وزارت اطلاعات، از

سال ۲۰۱۵ (۱۳۹۴) آغاز شد و بر ترور و ربایش مخالفان حکومت ایران در ترکیه و کشورهای همسایه متمرکز بود. زیندشتی به‌عنوان یک‌مهره کلیدی در این عملیات‌ها عمل می‌کرد و همکاری‌های او با جمهوری اسلامی شامل انتقال اطلاعات، اجرای عملیات ربایش و حتی شرکت در قتل‌های هدفمند بوده است.

## ربایش حبیب اسپیود و نقش ناجی شریفی زیندشتی: همکاری شبکه‌های تبهکاری و دستگاه‌های امنیتی ایران

در نوامبر ۲۰۲۰ (آبان ۱۳۹۹)، حبیب اسپیود (حبیب چعب)، رهبر گروه «حرکت النضال» که به دفاع از حقوق عرب‌های اهوازی می‌پرداخت، توسط سرویس‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران در استان‌بول ترکیه ربوده و به ایران منتقل شد. این رویداد، یکی از موارد متعدد از ربایش‌های مخالفان جمهوری اسلامی در خارج از مرزهای ایران است که با همکاری شبکه‌های تبهکاری و نهادهای امنیتی ایران به وقوع پیوسته است.

در نوامبر ۲۰۲۰، جمهوری اسلامی توانست اسپیود را از طریق یک عملیات پیچیده ربوده و به ایران انتقال دهد. گزارش‌ها حاکی از آن است که عملیات ربایش حبیب اسپیود با همکاری نزدیک سرویس‌های امنیتی ایران و یک باند تبهکاری مرتبط با ناجی شریفی زیندشتی، قاچاقچی معروف مواد مخدر، انجام شده است.

بر اساس گزارش‌های منتشرشده از جمله شبکه اسکای‌نیوز بریتانیا، حبیب اسپیود با استفاده از یک «تله عشقی» از سوئد به ترکیه کشانده شد. زنی به نام صابرین سعیدی که به‌عنوان جاسوس جمهوری اسلامی معرفی شده بود، نقش کلیدی در این عملیات ایفا کرد. او موفق شد اسپیود را به استان‌بول بکشد و شرایط را برای ربایش او فراهم کند.

گزارش‌های متعددی از جمله روزنامه «صبح» ترکیه در دسامبر ۲۰۲۰ حاکی از آن است که زیندشتی و شبکه قاچاق مواد مخدر او در ربایش حبیب اسپیود نقش مهمی ایفا کرده‌اند. سازمان اطلاعات ترکیه (میت) نیز در پی این عملیات، ۱۱ نفر از اعضای این شبکه تبهکاری را به ظن جاسوسی برای جمهوری اسلامی بازداشت کرد. این افراد به‌طور مستقیم در ربودن اسپیود و انتقال او به ایران دست داشتند.

ناجی شریفی زیندشتی پیش از ربایش حبیب اسپیود نیز متهم به دست داشتن در چندین ترور و قتل مخالفان جمهوری اسلامی در خارج از کشور بوده است. روزنامه واشینگتن‌پست و دیگر رسانه‌های بین‌المللی گزارش‌هایی را مبنی بر دست داشتن زیندشتی در قتل مسعود مولوی وردنجانی در سال ۲۰۱۹ و سعید کریمیان، مدیر شبکه تلویزیونی جم، در سال ۲۰۱۷ منتشر کرده‌اند. مولوی وردنجانی که یکی از منتقدان جدی جمهوری اسلامی بود، در استان‌بول به ضرب گلوله کشته شد و تحقیقات بعدی نشان داد که باند زیندشتی در این قتل دست داشته است. سعید کریمیان نیز در یک حمله مسلحانه مشابه در استان‌بول به قتل رسید و بازهم ردپای زیندشتی و شبکه او در این جنایت‌ها مشهود بود.

ناجی شریفی زیندشتی، به‌عنوان یکی از حلقه‌های واسط بین کارتل‌های مواد مخدر، ارگان‌های امنیتی جمهوری اسلامی و گروه تروریستی پ‌ک‌ک عمل می‌کند. خانواده سیمیتقو، نوادگان اسماعیل سیمیتقو، قصاب اورمیه، با تاریخچه‌ای از جنایت‌ها و فعالیت‌های مافیایی، در تجارت مواد مخدر به‌عنوان پیمانکار سپاه پاسداران عمل می‌کنند. این باند علاوه بر قاچاق مواد مخدر و انسان، نقش کلیدی در حمایت و همکاری با پ‌ک‌ک در غرب آذربایجان ایفا می‌کند و عملیات‌های سیاسی-انتخاباتی این گروه تروریستی را نیز هدایت می‌کند.

در شرایطی که نگهداری اسلحه در ایران برای شهروندان یک جرم جدی محسوب می‌شود، در غرب آذربایجان، باندهای مسلحی مانند سیمیتقو و زیندشتی آزادانه در خیابان‌ها تردد می‌کنند و با خودنمایی رسانه‌ای سعی در ارسال پیام‌های خاصی به داخل و خارج از کشور دارند. انتشار تصاویر کاروان طولانی اتومبیل‌ها و افراد مسلح این باندها در جاده‌های غرب آذربایجان، بار در رسانه‌ها و افکار عمومی منعکس شده است. شکل حرفه‌ای فیلم‌برداری و انتشار این تصاویر نشان‌دهنده یک پروژه هماهنگ و برنامه‌ریزی شده از سوی ارگان‌های امنیتی ایران است که هدف آن تغییر وضعیت

## ارتباطات مافیایی و تروریستی باند زیندشتی و سیمیتقو در غرب آذربایجان: همدستی با رژیم و تهدید علیه ملت آذربایجان

در غرب آذربایجان، ناجی شریفی زیندشتی، تروریست بین‌المللی و قاچاقچی مواد مخدر، تحت حمایت ارگان‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و به‌طور علنی در کنار سران باند سیمیتقو و افراد مسلح خود حضور می‌یابد. انتشار تصاویر زیندشتی در کنار این افراد مسلح در فضای مجازی، از هماهنگی کامل این باندها با رژیم ایران حکایت دارد و نشان‌دهنده نوعی پروژه حکومتی است که نه‌تنها به این باندها اجازه فعالیت می‌دهد، بلکه آن‌ها را به‌عنوان بخشی از ساختار قدرت به نمایش می‌گذارد.

موجود و ایجاد شرایطی جدید در منطقه است.

سپاه پاسداران و ارگان‌های امنیتی جمهوری اسلامی، باند سیمیتقو را نه تنها به عنوان پیمانکار قاچاق مواد مخدر، بلکه به عنوان مهره‌ای کلیدی در سیاست‌های امنیتی خود در غرب آذربایجان به کار می‌گیرند. گاگارین سیمیتقو، رئیس فعلی خانواده سیمیتقو، به‌طور مستقیم با سپاه و پ‌ک‌ک همکاری می‌کند.

حلقه واسط این گروه با تشکیلات شهری گروه تروریستی پ.ک.ک در غرب آذربایجان مسعود شمس نژاد است. شمس نژاد عضو رسمی پ‌ک‌ک و یکی از چهره‌های سیاسی مرتبط با این گروه در اورمیه، به‌عنوان وکیل و فعال فرهنگی در منطقه حضور دارد و به‌رغم اتهامات جدی درباره عضویت در پژاک، آزادانه به فعالیت خود ادامه می‌دهد. ارتباط نزدیک او با آرمان سیمیتقو و دیگر عناصر باند سیمیتقو نشان‌دهنده شبکه پیچیده‌ای از روابط میان مافیا، سپاه و گروه‌های تروریستی است که به‌طور مستقیم تحت حمایت رژیم ایران عمل می‌کنند.

آنچه به‌وضوح مشاهده می‌شود، تلاش جمهوری اسلامی برای ایجاد نوعی توازن جدید در منطقه غرب آذربایجان است که در آن باندهای تروریستی و مافیایی نظیر سیمیتقو و زیندشتی نقش کلیدی ایفا می‌کنند. این پروژه که به‌طور خاص به دنبال تقابل بین ملت ترک آذربایجان و گروه‌های تروریستی همچون پ‌ک‌ک است، باهدف تغییر ساختار جمعیتی و سیاسی منطقه در حال اجراست. باندهای زیندشتی و سیمیتقو که تحت حمایت کامل سپاه و ارگان‌های امنیتی قرار دارند، از هرگونه مصونیت برخوردارند و به‌طور علنی فعالیت‌های مسلحانه و مافیایی خود را به نمایش می‌گذارند.

باید یادآور شویم ناجی شریفی زیندشتی در واقع هیچ اقدام مستقلی انجام نمی‌دهد و به دلایل مختلف و تحت تأثیر ساختار عشیره‌ای حاکم، مطلقاً بدون چراغ سبز گاگارین سیمیتقو، رئیس شورای عشایر استان و بزرگ ایل شکاک که به‌طور مستقیم با سازمان اطلاعات سپاه پاسداران در تهران همکاری دارد، قدمی بر نمی‌دارد. آرمان سیمیتقو به‌عنوان دوست و یار دوران جوانی تأثیر قابل توجهی بر ناجی شریفی زیندشتی دارد. برخلاف او، آرمان سیمیتقو ارتباطات عمیق تری با وزارت اطلاعات همچنین جریان پان‌ایرانیست و اصلاح‌طلبان حکومتی دارد و نماینده این جناح در میان عشایر مهاجر کرد استان محسوب می‌شود.

ناجی شریفی زیندشتی دوست نزدیک آرمان سیمیتقو به دلیل نقش حیاتی گاگارین سیمیتقو در نجات او از اعدام، ناجی خود را همیشه مدیون گاگارین دانسته و احترام خاصی به او قائل است. در بین خوانین عشایر کرد، این باور وجود دارد که تمامی تصفیه‌های فیزیکی مخالفان گاگارین سیمیتقو در بین عشایر و طوایف نیز بر عهده ناجی شریفی زیندشتی بوده است. همچنین، او تا زمانی که در ترکیه بازداشت نشده بود، مسئول تأمین امنیت کامیون‌های حامل مواد مخدر از مرز ایران تا مرز بلغارستان و حواله یورها در استانبول بود. این ترانزیت در ایران به‌طور کامل در اختیار سازمان اطلاعات سپاه برای تأمین مالی حزب‌الله لبنان بوده است و گاگارین سیمیتقو مسئول تحویل و انتقال این محموله‌ها به آن سوی مرز است.

است.

علی‌اکبر قریشی که به فساد و زمین‌خواری در اورمیه معروف است، در این نامه خواسته است که صلاحیت «حاکم ممکن» تأیید شود.

پس از برگزاری انتخابات ۱۱ اسفند، شایعات و گمانه‌زنی‌های زیادی در مورد نقش مهدی قریشی در تسهیل نفوذ جریان‌های تروریستی و ارتباط او با کارتل مواد مخدر زیندشتی مطرح شد. گزارش‌ها نشان می‌دهند که او به‌عنوان رابط سیاسی این جریان‌ها با نهادهای امنیتی و بیت رهبری عمل کرده است. در جریان انتخابات، شیخ جاهل، یکی از شخصیت‌های اصلی در نفوذ باندهای تروریستی در منطقه، با حمایت از ناجی زیندشتی، کارتل مواد مخدر، به مردم ترک منطقه اورمیه حمله کرد. قریشی البته یک هفته مانده به سیرکت انتخاباتی ۱۱ اسفند، در خطبه‌های نماز جمعه اورمیه، دغدغه مردم اورمیه مبنی بر نفوذ و تأثیرگذاری جریان‌های هوادار گروه‌های تروریستی در روند انتخابات مجلس در غرب آذربایجان را «بی‌شعوری سیاسی» آنان خواند.

او در سخنانی عنوان کرد: این افراد معلوم است بسیار عقب‌افتاده از نظر فکری هستند چراکه این امروز جای این سخنان نیست. هر فردی قومیت را مطرح می‌کند، شعور سیاسی ندارد و ایران متعلق به همه ملت آن است. قریشی همچنین در اقدامی بی‌سابقه پس از مشخص

## خانواده قریشی حلقه اتصال باندهای زیندشتی با بیت رهبری

در سال‌های اخیر، افشاگری‌های متعددی در مورد روابط بین برخی مقامات محلی و باندهای تبهکاری در ایران، به‌ویژه در منطقه غرب آذربایجان، منتشر شده است. در این بین، نام خانواده قریشی، به‌ویژه مهدی قریشی، امام‌جمعه اورمیه و پدرش علی‌اکبر قریشی، به‌عنوان یکی از حلقه‌های اصلی این ارتباطات مطرح شده است. اطلاعات و اسنادی که در فضای مجازی منتشر شده، نقش این خانواده را در تسهیل فعالیت‌های تبهکاری و تروریستی در این منطقه نشان می‌دهد.

یکی از اسناد کلیدی فاش شده، نامه‌ای از علی‌اکبر قریشی به شورای نگهبان است که در آن خواستار تأیید صلاحیت یک نامزد انتخابات مجلس در سال ۱۳۹۴ با نام «حاکم ممکن» شده است. این فرد، بر اساس مدارک موجود، ارتباطاتی با باندهای تبهکاری و گروه‌های تروریستی داشته است. حمایت قریشی از این فرد نشان‌دهنده تمایل او به تأثیرگذاری بر روند انتخابات و ایجاد بستری لازم برای نفوذ باندهای تبهکاری در عرصه سیاسی کشور

شدن افراد راه یافته به مجلس از شهر اورمیه، با دعوت از آنان، در دفتر خود با این اشخاص دیدار کرد. امری که در سال های گذشته به دلیل اختلافات با نمایندگان، انجام نگرفته بود. یکی دیگر از ابعاد این ماجرا، خواندن خطبه های نماز جمعه اورمیه به زبان فارسی توسط مهدی قریشی نماینده خامنه ای استان آذربایجان غربی و امام جمعه اورمیه پس از برگزاری انتخابات ۱۱ اسفند بود. وی پیش از آغاز خطبه دوم گفته بود: آقایان فرموده اند که خطبه دوم را به فارسی بخوانیم. نمی دانم هفته بعد چه خواهد شد، فعلا این هفته را با فارسی ادامه می دهیم.

البته وی مشخص نکرد این «آقایان» چه کسانی بوده اند که از وی خواسته اند خطبه دوم نماز جمعه را به زبان فارسی بخواند. در ایران فقط ستاد ائمه جمعه در تهران در خصوص شکل و محتوی خطبه ها حق اظهار نظر رسمی دارد. اگر درخواست مذکور از سوی ستاد ائمه جمعه بوده است چرا فقط برای شهر اورمیه چنین درخواستی شده است در حالی که در تمام کشور خطبه ها به زبان رایج آن منطقه خوانده می شود؟! از نوع و نحوه ابلاغ این دستور این گونه برمی آمد که عزم جمهوری اسلامی برای تغییر ترکیب جمعیتی غرب آذربایجان و مشخصا شهر اورمیه جدی تر شده و این سیاست با هدایت شخص خامنه ای اجرا می شود.

مهدی قریشی این دستور را پذیرفت و برای یک هفته خطبه دوم نماز جمعه را به فارسی خواند، اما پس از واکنش های منفی شدید، او مجبور شد دوباره به زبان ترکی بازگردد.

هم زمان با این حواشی خبری در رسانه از همکاری گسترده مهدی قریشی با ناجی شریفی زیندستی برای قاچاق سلاح و مواد مخدر در غرب آذربایجان منتشر شد.

وبسایت آراز نیوز افشا کرد، در این پروژه سرمایه گذار ناجی شریفی زیندستی، کارتل معروف مواد مخدر باشد، سپاه پاسداران به عنوان کارفرما و امام جمعه اورمیه به عنوان حلقه رابط بیت رهبری عمل می کنند.

مراحل اداری و سرمایه گذاری این پروژه از تابستان سال ۱۴۰۰، آغاز شده و زیندستی سرمایه ای بالغ بر ۳۵ میلیون یورو در این پروژه سرمایه گذاری کرده است. بر اساس این طرح، با خرید چندین هواپیمای مسافربری و راه اندازی یک شرکت هواپیمایی، فرودگاه منطقه آزاد ماکو به عنوان هاب ترانزیت داخلی مواد مخدر و سلاح در ایران عمل خواهد کرد.

در جنب این پروژه، طرح پوششی آن نیز در قالب راه اندازی مسیر هوایی باربری و تاکسی هوایی با ارائه خدمات کارگو، تجاری، آموزشی و گردشگری نیز تدارک دیده شده است.

پیش تر در زمستان سال ۱۴۰۰ سید محسن حمزه لو مدیر کل راه و شهرسازی آذربایجان غربی از راه اندازی شرکت هواپیمایی بومی استان خبر داده و عنوان کرده بود، بر اساس توافق اولیه مقرر شده است تمام سرمایه گذاری از جانب بخش خصوصی انجام پذیرد. وی اما اشاره ای به نام شرکت یا شخص سرمایه گذار نکرده بود.

اطلاعات رسیده به آراز نیوز نشان می دهد یکی دیگر از اهداف این پروژه ترانزیت سلاح های خریداری شده ارمنستان از هند و فرانسه به این کشور است. موضوعی که در حال حاضر از دیگر مسیرهای موجود در ایران انجام می شود اما به دلیل حساسیت برخی قطعات تسلیحات جنگی، ترانزیت هوایی آنها لازم است.

موضوعی که عمر علی پور منتصب کرمانج زبان جمهوری اسلامی از شهر ماکو در سخنرانی تلویزیونی خود به طور ضمنی به آن اشاره کرده و از گسترش تجارت این منطقه با ارمنستان خبر داد. البته برخی محافل این سخنان وی را ناشی از ناآگاهی او خواندند اما علی پور تماما بر گفته های خود تسلط داشت.

دیگر هدف این طرح، جابجایی آسیان و مطمئن سلاح و نیرو مابین کمپ های گروه تروریستی پ.ک.ک در غرب آذربایجان و مشخصا منطقه دامبات ماکو و سلیمانیه عراق است. سپاه پاسداران در مواقع ضروری با همکاری و استفاده از عناصر گروه تروریستی پ.ک.ک، اهداف خود در منطقه را پیش می برد.

سپاه پاسداران سال هاست که با راه اندازی شرکت های هواپیمایی مختلف اقدام به قاچاق مواد مخدر،



تسلیحات و پول شویی می‌کند. با تحریم بسیاری از این شرکت‌ها از سوی آمریکا و اروپا، این نهاد تروریستی این بار سعی دارد با استفاده از شبکه توزیع گروه تروریستی پ.ک.ک اقدام به قاچاق مواد مخدر به اروپا کند.

در سوی دیگر مهدی قریشی، امام‌جمعه اورمیه، به‌عنوان رابط سیاسی این پروژه در بیت رهبری و نهادهای امنیتی مرکز عمل خواهد کرد. همچنین از وی به‌عنوان اهرم تطایف فضای سیاسی و افکاری عمومی مردم اورمیه علیه نمایندگان کرمانج زبان اورمیه و زیندشتی استفاده خواهد. چه حکمتی است که او و پدرش علی‌اکبر قریشی همیشه در جهت مخالف منافع عمومی اورمیه و غرب آذربایجان حرکت کرده‌اند.

قریشی پدر که هم‌اکنون مسن‌ترین عضو مجلس خبرگان است و نامش با مفاسد اقتصادی خصوصاً ضبط اموال بهاییان! و ضدانقلاب! و غضب آنها به نفع خانواده و نزدیکانش عجین بوده است، مخالف و رقیب سرسخت غلامرضا حسنی امام‌جمعه پیشین اورمیه بود. حسنی هرچند فردی عامی و بی‌سواد و سرسپرده کامل خمینی و خامنه‌ای بود ولی حداقل در مقابل زیاده‌خواهی‌های گروه‌های تروریستی سدی محکم به حساب می‌آمد و مدافع هویت تورکی اورمیه و غرب آذربایجان بود.

غرب آذربایجان و شهر اورمیه از روحانی‌نماهای جاهل و چه‌بسا خائن ضربات سنگینی خورده است که بارزترین نمونه آن درائتای جنگ جهانی اول اتفاق افتاد.

وقتی قوای عثمانی که مردم غرب آذربایجان را از قتل‌عام ارامنه نجات داده بودند و به علت شکست عثمانی در جنگ جهانی در حال ترک منطقه بودند؛ فرمانده قوای عثمانی به بزرگان شهر اورمیه اظهار می‌کند که بعد از خروج آنها شهر دوباره مورد هجوم اشرا و واقع خواهد شد و بهتر است اهالی شهر بخشی از سلاح‌های قشون عثمانی را تحویل گرفته و از خود دفاع کنند. به‌رغم اصرار برخی از بزرگان شهر از جمله سران ایل افشار، معدودی از به‌اصطلاح روحانیون متنفذ (که نامشان در منابع ذکر شده است) به دلیل جهالت و بلکه خیانت مخالفت کرده و اظهار می‌کنند که مسلمان نباید به روی مسلمان اسلحه بکشد! خروج نیروهای عثمانی همان و حمله دسته‌های اشرا به رهبری اسماعیل سیمیتقو همان! و فجایعی که به دست «قصاب اورمیه؛ اسماعیل سیمیتقو» اتفاق افتاد و هنوز از اذهان عمومی مردم منطقه پاک نشده است.

چه تشابه شومی! گویا صدسال بعد باز ماجرای «شیخ جاهل» و شروری به نام «سیمیتقو» «زیندشتی» در اورمیه در حال تکرار است؛ نقش‌ها همان و بازیگران همان و بازی‌گردانان همان؛ فقط اسامی کمی تغییر کرده است!

توسط زیندشتی ساخته شده، تصاویر وی با حاکم مکان و سید سلمان ذاکر منتشر شد که عمق پروژه «زیندشتی در غرب آذربایجان» را نشان می‌داد. همچنین هم‌زمان با این تصاویر، تصویر دیگر از سید سلمان ذاکر در کنار اسکندر شریفی زیندشتی پسرعموی ناجی شریفی که بالباس رسمی گروه تروریستی پ.ک.ک و سلاح به دست ایستاده، منتشر شد.

آقای ذاکر در این مراسم پا را فراتر گذاشته و در سخنرانی خود درباره زیندشتی مطالبی را بیان کرد که با هیچ عقل سلیمی سازگار نیست. وی در سخنان خود عنوان کرد: آقای شریفی به اساسی‌ترین نیاز بشر که آموزش است توجه ویژه دارد. ذاکر اولین شخصیت سیاسی تورک غرب آذربایجان نیست که این‌گونه زیندشتی را تطهیر می‌کند، در این مراسم نقی کریمی عضو شورای شهر اورمیه نیز حضور داشت و درباره وی گفت: ناجی شریفی زیندشتی فعالیت‌های خیرخواهانه زیادی در شهر اورمیه داشته است. این اولین بار نیست که نقی کریمی در رکاب زیندشتی دیده می‌شود. تصاویر منتشرشده از وی در کنار زیندشتی و عواملش نشان از عمق روابط این افراد با یکدیگر دارد.

اولین با عزیز سهندی مدیرکل کمیته امداد آذربایجان غربی با حضور در دفتر به‌اصطلاح موسسه نیکوکاری ستاره زیندشت، از فعالیت‌های این مجموعه و ناجی شریفی

## تلاش‌های جمهوری اسلامی برای تطهیر چهره ناجی شریفی زیندشتی در غرب آذربایجان

چندین سال است که از سوی جمهوری اسلامی برای تطهیر چهره ناجی شریفی زیندشتی، کارتل مواد مخدر و عامل قتل و ترور مخالفان جمهوری اسلامی در خارج ایران، تلاشی جدی صورت می‌گیرد.

از تشکیل موسسه‌های خیریه بنام این فرد تا ساخت مدارس، از دعوت به مراسم خیرین مدرسه‌ساز تا آزادسازی زندانیان، از حضور محافل سیاسی و مذهبی تا مراسم حکومتی بخشی از تلاش‌های جمهوری اسلامی برای موجهه‌سازی چهره زیندشتی نزد افکار عمومی آذربایجان است.

حال این پروژه وارد فاز جدیدی شده است، تاکنون کمتر عکس از زیندشتی با مسئولان، نمایندگان و استانداران منتشر می‌شد اما به یک‌باره و پس از مرگ ابراهیم رئیسی، تصاویر وی با مسئولان حکومتی، استانداری و دیگر مقامات کشوری ایران در فضای مجازی پخش شد.

در آخرین مورد نیز در جریان افتتاح چندین مدرسه که به‌اصطلاح

زیندشتی تجلیل کرد.

سپس در ۱۲ آذر ۱۴۰۱ معاون وزیر آموزش و پرورش در مراسمی از خیرین مدرسه‌ساز تقدیر کرد که یکی از این افراد ناجی شریفی زیندشتی بود.

پس از آن «غلامحسین عماری» فرماندار اورمیه به همراه «جعفر ظرف فروش» معاون امنیتی سیاسی فرماندار و «اکبر صابری» معاون عمرانی فرمانداری و «سعید حقیقی» بخشدار صومای بردوست از روند ساخت مدرسه توسط زیندشتی در روستای ممان بازدید کردند.

هم‌زمان با این اتفاقات شبکه تلویزیون استان آذربایجان غربی گزارشی از پخش ۲۵۰۰ بسته معیشتی بین خانواده‌های محروم توسط موسسه خیریه «ستاره زیندشت» پخش کرد.

در ادامه این روند در مراسمی موسوم به «جشن گل‌ریزان، ویژه آزادسازی زندانیان مالی جرائم غیر عمد استان آذربایجان غربی» ناجی شریفی زیندشتی به دلیل اهدای یک میلیارد تومان مورد تقدیر و تشکر قرار گرفت. در مراسم مذکور وی به همراه استاندار آذربایجان غربی و دیگران مقامات استانی در ردیف اول سالن نشست بود.

اینکه دلیل این همه تملق و چاپلوسی از سوی مسئولین سیاسی و امنیتی استان برای زیندشتی چیست را باید در سیاست‌ها و پروژه‌های منطقه جمهوری اسلامی جستجو کرد.

مجید جوادی سخنگوی تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان دیرنیش در این خصوص می‌گوید: بارها تأکید کردیم سیاست تغییر ساختار سیاسی [جمعیتی در غرب آذربایجان به زیان تورک‌ها یک سیاست کلان حکومتی است و پزشک‌یان در حد و اندازه‌ای نیست که بخواهد آن را تغییر دهد. سیاست ایجاد یک قاراباغ و یا شمال سوریه جدید در غرب آذربایجان جدی است.

سخنگوی دیرنیش معتقد است: در دوره پزشک‌یان نیز چیزی عوض نخواهد شد. ظریف در کمپین انتخاباتی با استفاده از شعار انتخاباتی پ‌ک‌ک در اورمیه این را آشکارا نشان داد. پیمانکار این پروژه پ‌ک‌ک و جریان هوادار آن در استان است.

جوادی می‌گوید: امثال پزشک‌یان و ذاکر و غیره نیز افراد منتصب بی‌اراده‌ای هستند که نه توان و نه اراده ایستادن در مقابل آن را ندارند و در نهایت مانند ملیجک‌هایی بازیچه دست هژمونی فارسی (جریان ایرانشهری-شعوبی) هستند و خواهند بود.

نگران کننده است. اگر بخواهیم بعد انتخاباتی این پروژه را بررسی کنیم دو انتخابات گذشته (مجلس و ریاست جمهوری) بهترین مصداق برای تسریع این پروژه است. جایی که جمهوری اسلامی به صورت علنی میدان را به باند زیندشتی و عواملش سپرد.

ناجی شریفی زیندشتی که به عنوان یک کارتل آدم‌ربایی و قاچاق مواد مخدر شناخته می‌شود، در سال‌های اخیر نقش بارزی در مهندسی انتخابات در اورمیه و غرب آذربایجان ایفا کرده است. او به طور خاص با حمایت‌های سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات، در اقدامی نمایشی، با انتشار تصویر خود در حال رأی دادن در انتخابات، انتخابات را «مظهر اراده ملت» نامید. این اظهارات، با توجه به پیشینه‌اش، بیانگر نوعی تلاش برای مشروعیت‌سازی فعالیت‌های غیرقانونی و تروریستی اوست.

از جمله فعالیت‌های مشکوک شریفی زیندشتی، خرید ۲۰۰ هزار کد ملی برای رأی‌گیری در انتخابات مجلس بود. این اقدام نشان‌دهنده عمق نفوذ او و حامیان‌ش در ساختارهای انتخاباتی جمهوری اسلامی است. شریفی زیندشتی همچنین با حضور در جلسات فرمانداری و ارتباط مستقیم با مقامات تهران، تلاش می‌کرد نتایج انتخابات را به نفع خود و هوادارانش مهندسی کند و این‌گونه نیز شد.

## تلاش برای مهندسی انتخابات مجلس در اورمیه و غرب آذربایجان توسط ناجی شریفی زیندشتی

آذربایجان غربی، به عنوان یکی از مناطق استراتژیک آذربایجان جنوبی، در سال‌های اخیر تحت تأثیر سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی قرار گرفته و تغییرات ساختاری آن، نگرانی‌هایی را در بین مردم و فعالان سیاسی ترک ایجاد کرده است. سیاست‌های معطوف به تغییر ترکیب جمعیتی و مدیریتی در این استان، باعث شکل‌گیری حساسیت‌های بالای اجتماعی و سیاسی در بین مردم ترک شده است.

از زمان آغاز به کار دولت‌های روحانی و رئیسی، پروژه تغییر ساختار سیاسی و اداری آذربایجان غربی با سرعت بیشتری در حال پیشرفت است. این تغییرات نه تنها به افزایش تعداد استانداران غیربومی منجر شده بلکه این استانداران، اغلب به عنوان نمایندگان جریان‌های تروریستی و غیر محلی عمل می‌کنند. این وضعیت به ویژه در دورانی که جمهوری اسلامی به دنبال تسریع پروژه تغییر ترکیب جمعیتی و مدیریتی است،

در شرایطی که مردم آذربایجان به دلیل سیاست‌های جمهوری اسلامی انتخابات را تحریم کرده بودند، دو هوادار گروه تروریستی پ‌ک‌ک به‌عنوان نماینده اورمیبه انتخاب شد. با صحنه‌گردانی زیندشتی، عده‌ای از هواداران گروه‌های تروریستی در ساعات پایانی روز، بدون هیچ‌گونه ممانعتی از سوی نیروهای انتظامی و امنیتی، پس از یک ساعت پیاده‌روی و تظاهرات در خیابان‌های اصلی اورمیبه، به میدان ایالت رسیدند و با صدای بلند شعار «اورمیبه کردستان است!» را سر دادند. این‌گونه صحنه‌ها در تاریخ اورمیبه بی‌سابقه بوده و احتمالاً تنها یک‌بار، آن‌هم در زمان اشغال شهر توسط قصاب اورمیبه، اسماعیل سمیمیتقو، مشاهده‌شده است. درگذشته، حتی در زمان حمله شیخ عبیدالله شمذینانی نیز چنین وقایعی در اورمیبه به ثبت نرسیده و این شهر قرن‌ها تحت حفاظت نیروهای نظامی خان‌ها و بیگلربیگی‌های افشار اورومی در امنیت و آسایش قرار داشته است.

سؤالی که پیش می‌آید این است: امروز چه بر سر این شهر آمده است که هواداران گروه‌های تروریستی چنین جرئتی یافته‌اند؟ چگونه ممکن است گروهی از تظاهرکنندگان با فریاد شعارهای خود و بدون هیچ مداخله‌ای از سوی نیروهای امنیتی، با یک ساعت پیاده‌روی از خیابان‌ها و تقاطع‌های اصلی شهر به میدان ایالت برسند، درحالی‌که در روز اعلام نتایج انتخابات، تمامی نیروهای امنیتی در آماده‌باش کامل به سر می‌برند و امکان غافلگیری وجود ندارد؟ تنها نتیجه منطقی که می‌توان از این حادثه گرفت، این است که این رویداد از پیش برنامه‌ریزی شده بوده و به نیروهای امنیتی دستور عدم‌مداخله داده‌شده است.

### نقشه راه پزشک‌یابان برای آذربایجان غربی: چالش‌ها و پیامدها

اخیراً نام جواد جهانگیر زاده در رسانه‌ها به‌ویژه در محافل سیاسی به‌طور گسترده‌ای مطرح شده است. درعین حال، اطلاعاتی به‌دست آمده که نشان می‌دهد نمایندگان استان و امام‌جمعه قریشی به‌عنوان بازوی تأثیرگذار جریان ایرانشهری در اورمیبه، با ارسال نامه‌ای به پزشک‌یابان، خواستار ابقای معتمدیان در مقام فعلی خود شده‌اند. این درخواست با توجه به وابستگی قریشی به جریان ایرانشهری و اینکه تغییر ساختار در آذربایجان غربی به‌عنوان یک پروژه کلان ایرانشهری-شعوبی تلقی می‌شود، نشان‌دهنده احتمال وجود پشت پرده‌ای در این نامه‌نگاری است. قریشی پیش‌تر نیز در نامه‌نگاری‌های مختلف از شخصیت‌های حامی تروریسم در استان حمایت کرده است.

علاوه بر این، در سال‌های اخیر، در بسیاری از محافل سیاسی بحث شده که شورای عالی امنیت ملی رژیم طرحی تحت عنوان «ایجاد توازن در آذربایجان غربی» به تصویب رسانده که هنوز به‌طور علنی مطرح نشده است. این پروژه تغییر ساختار نه‌تنها به زیان اکثریت ترک‌زبان استان است، بلکه در راستای تقویت ساختارهای مرتبط با جریان‌های هوادار تروریسم در آذربایجان غربی نیز پیگیری می‌شود. در کابینه کنونی آقای ظریف، این مصوبه به‌طور مستقیم در حال پیگیری است و این امر می‌تواند بر آینده سیاسی و اجتماعی این منطقه تأثیرات عمیقی بگذارد. بهانه ابقای معتمدیان، نامه‌ای است که توسط امام‌جمعه ایرانشهری اورمیبه، قریشی و نمایندگان کرد استان تنظیم و امضا شده است. به‌علاوه، نمایندگان منصوب ترک استان نیز به دستور مراجع بالادستی این نامه را امضا کرده‌اند تا به‌ظاهر بار مسئولیت آقای پزشک‌یابان کاهش یابد.

همچنین آراز نیوز در خبری نوشت: درحالی‌که که گمانه‌زنی‌ها از حاضر بودن لیست تمام استانداران پیشنهادی بر روی میز پزشک‌یابان خیر می‌دهند، برخی جریان‌های وابسته به گروه‌های تروریستی تلاش دارند با لابی‌گری مجدداً استانداری غیربومی برای آذربایجان غربی تحمیل کنند.

این لابی‌گری‌ها به سردمداری محمد خزایی مدیر اسبق و غیربومی (کرمانشاهی) خانه جوان اورمیبه صورت می‌گیرد که در حال حاضر در رکاب ناجی شریفی زیندشتی تروریست و کارتل بین‌المللی مواد مخدر است تا بتواند همشهری خود در استانی دیگر را به استانداری آذربایجان غربی برساند.

درواقع، این مراجع بالادستی به مصوبه شورای عالی امنیت ملی استناد می‌کنند که بر لزوم حفظ توازن قومی در آذربایجان غربی تأکید دارد؛ اما در واقع این عبارت به معنای لزوم تغییر ترکیب سیاسی و جمعیتی استان به نفع غیر ترکان است. این موضوع نشان‌دهنده تلاش‌های سیستماتیک برای ایجاد تغییرات در بافت اجتماعی و سیاسی آذربایجان غربی به‌گونه‌ای است که به نفع گروه‌های خاص باشد و به‌ویژه به زیان اکثریت ترک‌زبان استان انجام می‌شود. البته زمینه این مسئله را باید در میتینگ‌های انتخاباتی پزشکیان جستجو کرد. جایی که جریان‌های تروریستی و ایرانشهری دست در دست در تلاش برای تغییر ترکیب جمعیتی غرب آذربایجان بودند. اگر گریزی کوتاه بر میتینگ‌های انتخاباتی پزشکیان در آذربایجان بزنیم متوجه اتفاقات خاصی می‌شویم.

شعار انتخاباتی پزشکیان در اورمیه و چگونگی انتخاب و تبلیغ آن، به‌ویژه در زمینه همکاری‌های سیاسی و گروه‌های تروریستی، نکته‌ای است که باید مورد بررسی قرار گیرد. در انتخابات مجلس ۱۳۹۴، حاکم ممکن با شعار «من اینجا ریشه در خاک دارم» برای نمایندگی مجلس از اورمیه کاندیدا شد، شعاری که به‌وضوح حامل ادعاهای ارضی گروه‌های تروریستی در غرب آذربایجان بود.

در انتخابات سال ۱۳۹۶، ائتلافی به نام «ائتلاف نوژین» شکل گرفت که به پیروزی نسبی نیز دست‌یافت. این ائتلاف در واقع نمایانگر هواداران گروه‌های تروریستی و به‌ویژه «ساختار شهری پک‌ک» در اورمیه بود. چهره‌های اصلی این گروه شامل آرمان سیمیتقو، حاکم ممکن، مسعود شمس نژاد و ارشاک رثوف گنبدی بودند. این گروه به‌طور هم‌زمان با اطلاعات سپاه و پک‌ک همکاری‌های نزدیکی داشتند و اسناد و شواهدی از همکاری‌های این باند مافیایی-تروریستی با اطلاعات سپاه در سال‌های بعد منتشر شد.

ائتلاف نوژین از شعار «من اینجا ریشه در خاک دارم» استفاده کرد. در انتخابات مجلس ۱۳۹۸، حاکم ممکن و آرمان سیمیتقو به‌عنوان نمایندگان نوژینی‌ها برای شرکت در انتخابات نام‌نویسی کردند، اما هر دو رد صلاحیت شدند. در انتخابات ۱۴۰۲، حاکم ممکن توانست به‌عنوان نماینده اورمیه وارد مجلس شود که خود داستان مفصلی دارد.

# هدف جمهوری اسلامی از «پروژه زیندشتی» چیست؟!

به تورک‌ها پیام می‌دهد که من می‌توانم منطقه را ناامن کنم. بازی با کارت گروه‌های تروریستی و مافیایی در کل نفعی برای ایران نداشته است. رژیم شاید در ظاهر موفقیت‌های موضعی کسب کرده باشد ولی در کل بعد از اینکه میلیاردها دلار در عراق و سوریه و یمن و حتی افغانستان خرج گروه‌های تروریستی کرد اکنون در معادلات اقتصادی هیچ‌یک از این مناطق حضور محسوسی ندارد. نتیجه این شده است که رژیم در داخل کشور گرفتار بسیاری از بحران‌های ساختاری شده است. بازی و پیام دادن با کوتوله‌هایی مانند زیندشتی و سیمیتقو نیز در نهایت دستاورد برای رژیم نخواهد داشت؛ زیرا با توجه به پتانسیل عظیم تورک‌ها امثال زیندشتی چیزی بیشتر از کف روی آب اقیانوس نخواهند بود.

دیرزمانی است که دولت ایران پروژه جداسازی آذربایجان از آذربایجان جنوبی از خزر و ترکیه را پیش می‌برد. امری که فاز جنوبی پروژه‌های است که روس‌ها سالیان مدید در آذربایجان شمالی با اصرار اجرا کردند. بعد از نزدیکی بی‌سابقه آذربایجان شمالی و ترکیه، مطرح شدن اتحاد کشورهای تورک، جنگ دوم قاراباغ و کریدور زنگه‌زور دولت ایران به پروژه مذکور سرعت محسوسی داد. برای اولین بار بعد از پنج قرن دولت ایران تصمیم گرفت معادلات جمعیتی، سیاسی و نظامی در غرب آذربایجان را به زیان تورک‌ها تغییر دهد. لذا استانداران کردتبار یکی بعد از دیگری به آذربایجان غربی فرستاده شدند تا ساختار سیاسی تازه را مهندسی کنند. همچنانی که ساختار نظامی و امنیتی غرب آذربایجان نیز نسبت به شرایط جدید و به زیان تورک‌های بومی منطقه شروع به تغییر کرد.

در اینجا لازم به ذکر است که دولت مرکزی ایران که صدسال در دست ملی‌گرایان فارس است از آنجایی که اساسا تورک‌ها را تهدید پتانسیل جدی‌تری می‌بیند و در مقایسه کردها تهدید کوچک‌تری هستند در این پروژه تلاش می‌کند از کردها علیه تورک‌ها استفاده ابزاری کند. همچنانی که روس‌ها از ارمنی‌ها استفاده می‌کردند. وگرنه نه روس‌ها حب ارمنی داشته و دارند و نه فارس‌ها حب کرد داشته و دارند؛ بغض هردوی آنها به تورک‌هاست.

هم‌اکنون رژیم ایران در بازی ژئوپلیتیکی آذربایجان و قفقاز جنوبی کاملاً شکست خورده است. تمام کارت‌هایش را بازی کرده است ولی چیزی دستگیرش نشده است؛ بنابراین علاوه بر ترور زیست‌محیطی (خشکاندن دریاچه اورمیه باهدف کاهش تراکم جمعیتی آذربایجان)، مانند همیشه دست به دامن گروه‌های تروریستی و مافیایی شده است و توسط آنها

و بعضی اقدامات به‌ظاهر خیرخواهانه می‌پردازند. سپس شخصی مانند زیندشتی به خاطر کارهای خیریه‌اش در مراسم‌های رسمی از دست مقامات استانی جایزه می‌گیرد و از تلویزیون استانی با آب‌وتاب تبلیغ می‌شود. زیندشتی کسی است که به جرم تجارت مواد مخدر در ایران به اعدام محکوم شد. سپس اطلاعات سپاه او را به خدمت گرفت و برای ترور به ترکیه فرستاد. ترورهای سعید کریمیان مدیر شبکه فارسی جم تی وی و مسعود مولوی ادمین کانال تلگرامی جبهه سیاه در ترکیه کار باند زیندشتی بود. حبیب اسبیود از رهبران جنبش ملی عرب‌های احواز نیز توسط باند زیندشتی ربوده و به ایران برده شد که بعد از مدتی توسط رژیم اعدام شد. باند زیندشتی و برخی بستگان نزدیکش علاوه بر ترکیه در اروپای شرقی نیز مشغول کار قاچاق و ترور بوده‌اند که در رسانه‌ها در این باره گزارش‌هایی منتشر شده است. بعد از دستگیری اعضای باند زیندشتی در ترکیه خود وی به ایران فرار و تحت حمایت سپاه در آذربایجان غربی کارت‌ل مافیایی خود را بازسازی کرد. طبق اخبار منتشره وی پیمانکاری انتقال بخش بزرگی از محموله‌های قاچاق در شمال غرب کشور را بر عهده دارد. در هفته‌های اخیر سه خیر در رابطه با زیندشتی منتشر شد که نشان می‌دهد وی دامنه فعالیت‌هایش را به شدت

## زیندشتی؛ ببر کاغذی غرب آذربایجان، قطعه‌ای از پازل بزرگ

مجید جوادی آراز

سخنگوی تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان (دیرنیش)

در ماه‌های اخیر ناجی شریفی زیندشتی به یک بازیگر مهم در غرب آذربایجان تبدیل شده است. البته مدت‌هاست که وی در غرب آذربایجان عرض‌اندام می‌کند ولی در ماه‌های اخیر اقدامات وی ابعاد تازه‌تر و جدی‌تری به خود گرفته است. قبل از رسیدن به امروز زیندشتی لازم است قدری به گذشته نزدیک وی بپردازیم.

در شرایطی که در ایران جز نیروهای دولتی هیچ‌کس به‌صورت آشکار قابلیت حمل اسلحه ندارد، در ماه‌ها و سال‌های اخیر، کارت‌ل‌های مافیایی در غرب آذربایجان و در رأس آنها باندهای زیندشتی و سیمینقوها نه‌تنها به‌صورت آشکار اسلحه حمل می‌کنند بلکه به شیوه داعش و طالبان با کاروان‌های طویل اتومبیل‌های تک تیرپ سیاه‌رنگ در جاده‌های غرب آذربایجان جولان می‌دهند و ویدئوهای با مونتاژ حرفه‌ای این عرض‌اندام‌های مسلحانه را بافتخار در حساب‌های رسانه‌های اجتماعی خود منتشر می‌کنند.

همینان، خصوصاً زیندشتی، مؤسسات به‌اصطلاح خیریه راه‌اندازی کرده و در مناطق کم‌درآمد کردنشین به پخش مواد غذایی



گسترش داده و به یک بازیگر مهم در غرب آذربایجان تبدیل شده است. خبر اول؛ زیندشتی با صرف هزینه چند میلیون دلاری قصد دارد یک شرکت مسافری خصوصی بین تهران و منطقه آزاد ماکو ایجاد کند. هر شخص عادی می‌داند بین ماکو و تهران آن قدر حجم مسافر وجود ندارد که چنین سرمایه‌گذاری توجیه اقتصادی داشته باشد. همچنین بر کسی پوشیده نیست که سپاه از شرکت‌های مسافری هوایی خصوصی به‌عنوان وسیله پوششی برای انتقال سلاح به گروه‌های نیابتی و کشورهای متحدش استفاده می‌کند. می‌توان ارزیابی کرد که سپاه از شرکت مذکور برای انتقال سلاح‌های حساس ایرانی و غیر ایرانی (مانند فرانس و هند) به ارمنستان و پک‌ک استفاده خواهد کرد. همچنین که در روزهای اخیر رسانه‌ها اعلام کردند ایران به پک‌ک موشک‌های سبک ضد پهپاد و پهپادهای انتحاری داده است. مراد کاراییلان سردسته قذیفه‌نشین تروریست‌های پک‌ک این خبر را با عنوان مژده نوروزی اعلام کرد. اینکه چرا رژیم جمهوری اسلامی ایران در برهه کنونی چنین اقدامی کرده است خود موضوع قابل تأملی است که نیاز به بحثی جداگانه دارد.

خبر دوم؛ در انتخابات اخیر مجلس که از سوی شهروندان به‌صورت گسترده تحریم شد، زیندشتی در نقش مهندس ارشد انتخابات اورمیه ظاهر شد و حتی فرماندهان محلی سپاه را نیز کنار زد. وی با خرید حدود دویست هزار کد ملی از شهرهای کردنشین یک ثقل گسترده را مدیریت کرد. سپس در روز انتخابات با شرکت در جلسه فرمانداری اورمیه، با پشتیبانی معتمدیان استاندار حامی تروریسم، قریشی امام‌جمعه و ارتباط‌گیری مستقیم با تهران، فشار برخی فرماندهان محلی سپاه را خنثی کرد و موفق شد دو فرد هوادار تروریسم را به‌عنوان نماینده اورمیه در مجلس فرمایشی و نامشروع منتصب کند. از دو شخص مذکور ارتباط حاکم مملکت با ساختار شهری پژاک در اورمیه مسجل و مشخص است. بعد از این بود که هواداران گروه‌های تروریستی با مساعدت نیروهای امنیتی به شکل بی‌سابقه‌ای تا میدان ایالت اورمیه پیش آمدند و با در دست داشتن پرچم‌های جمهوری اسلامی در میدان ایالت شعار «کردستان است» سر دادند. در نهایت زیندشتی با پست‌های اینستاگرامی خود از عواملش خواست متفرق شوند، چون مأموریت به پایان رسیده بود.

خبر سوم؛ زیندشتی فعالیت‌های خیرخواهانه! خود را به طرز معناداری بسط داده و بعد از روستاهای کردنشین مرزی، در محلات کم‌درآمد تورک نشین مرکز شهر اقدام به پخش بسته‌های رایگان مواد غذایی کرده است. فعالیت‌های خیرخواهانه! زیندشتی در محلاتی مانند حسین‌آباد و علی‌آباد که به‌صورت سنتی از پایگاه‌های حرکت ملی آذربایجان و هویت طلبی تورکی محسوب می‌شوند مسلماً تصادفی نیست و به‌نوعی رخنه در پایگاه حریف محسوب می‌شود. ظاهراً زیندشتی تلاش می‌کند در این مناطق و از میان طبقه بی‌بضاعت تورک برای خود مشروعیت و هوادارانی دست‌وپا کند تا به زمان نیاز به‌عنوان نیروی میدانی استفاده کند.

قدر مسلم تمام این‌ها بدون حمایت سه کانون قدرت ممکن نیست؛ سپاه، جریان ایران‌شهری در تهران و نماینده خامنه‌ای در استان مهدی قریشی.

از میان این سه وضعیت سپاه و جریان ایران‌شهری تا حدودی مشخص است که در ادامه به سیاست‌های آنها پرداخته خواهد شد. ولی وضعیت قریشی جدا قابل تأمل است. علی‌اکبر قریشی پدر و مهدی قریشی پسر افرادی به‌غایت بدنام در اورمیه هستند و خصوصاً فسادهای مالی آنان شهره خاص و عام است. کمتر کسی است که نداند قریشی پدر زمین‌های غصبی را که در اول انقلاب به نام ضدانقلاب صادره شده بودند توسط اداره اوقاف تبدیل به مستغلات کرده و بخش زیادی از آنان را شخصاً تصاحب کرده است. معروف‌ترین این مستغلات پاساژ حاجی‌بابا صناعی در میدان مرکز (ولایت‌فقیه) ابتدای خیابان زنجیر (طالقانی) می‌باشد. این ملک بعد از غصب (صادر) توسط اوقاف تحت مدیریت قریشی پدر تبدیل به پاساژ شد و بیشتر مغازه‌های گران‌قیمت آن به نام پسران، دختران، دامادها و حتی نوه‌های خردسال خانواده قریشی به قیمت‌های نازل نزدیک به مجانی قباله زده شد. این موضوع بر تمامی بازاریان اورمیه معلوم

است.

بعد از فوت حسنی امام‌جمعه سابق اورمیه مهدی قریشی به‌جای وی منصوب شد. حسنی به‌رغم تمام معایبش، فردی وطن‌دوست، با‌غیرت و همیت بود و تا آخر عمر در مقابل جریان‌های تروریستی با قاطعیت تمام ایستاد. ولی مهدی قریشی دقیقاً در نقطه مقابل حسنی قرار دارد. وی فردی فاسد و خودفروخته است که کوچک‌ترین غیرت و همیتی برای آذربایجان و شهر اورمیه ندارد و وابسته کامل جریان ایران‌شهری است. دقیقاً به همین دلیل نیز به مقام امامت‌جمعه اورمیه تعیین شده است تا هموارکننده مسیر توطئه‌های جریان ایران‌شهری باشد. احساسات ضد تورکی و ضد آذربایجانی وی بر کسی پوشیده نیست. به‌عنوان مثال بنا به اذعان فعالین دانشجویی سابق، وی زمانی که در دانشگاه اورمیه با عنوان مسئول نهاد رهبری در جلسات کمیته ناظر بر نشریات دانشجویی شرکت می‌کرد با دقت و وسواس خاصی تمام سعی خود را برای محدود کردن و سانسور نشریات تورکی به کار می‌بست. وی اکنون در مقام امام‌جمعه به یکی از حامیان اصلی جریان هوادار تروریسم در غرب آذربایجان تبدیل شده است. بی‌دلیل نیست وقتی رسانه‌های آذربایجانی از مهدی قریشی انتقاد می‌کنند این رسانه‌های وابسته به کارت‌ل زیندشتی و هوادار پ‌ک‌ک هستند که به دفاع از او برمی‌خیزند. به همین دلیل نیز در رسانه‌های آذربایجانی از مهدی قریشی با عنوان «شیخ جاهل» نام‌برده می‌شود که یادآور سلف خود آخوند عرب باغی می‌باشد که با حماقت و افکار ساده‌لوحانه خود سبب سقوط شهر اورمیه و افتادن شهر به دست قصاب اورمیه اسماعیل سیمیتقو و فجایع بعدازآن شد.

البته پدر او علی‌اکبر قریشی نیز با جریان هوادار تروریسم دارای سَر و سر و چه‌بسا هم‌پاله بوده است. اخیراً نامه وی به جنتی در دوره پیشین انتخابات منتشر شده است که از وی می‌خواهد صلاحیت حاکم مملکت را تأیید کند.

اینکه فرد خودفروخته و مزدوری مانند قریشی جایگاه حسنی را اشغال کرده است قطعاً در پروبال باز کردن گروه‌های تروریستی تأثیری غیرقابل‌انکار دارد.

در رابطه با سپاه نیز نکته‌ای که باید تأکید شود این است که بدنه و فرماندهان محلی سپاه در آذربایجان عموماً با سیاست‌های تهران در راستای تغییر ساختار در غرب آذربایجان به نفع جریان هوادار تروریسم موافق نیستند ولی به‌رحال به‌عنوان مأموران معذور کاری از دستشان ساخته نیست. خصوصاً در رابطه با انتخابات اخیر شنیده‌ها حاکی است اینکه فردی مانند زیندشتی با حمایت استاندار و امام‌جمعه هیئت فرماندهان محلی سپاه را زیر پا گذاشته و با کنار زدن آنها شخصاً مهندسی انتخابات را برعهده گرفته است باعث ناراحتی عمیق فرماندهان محلی سپاه شده است.

زیندشتی پدیده مجردی نیست، نمی‌توان آن را به‌صورت مجزا بررسی کرد و باید آن را در قالب تصویر بزرگ ارزیابی کرد.

به‌روروی در حال حاضر در تهران جریان فکری ایران‌شهری (ملی‌گرایی فارسی - تاجیکی) در مراکز اصلی قدرت (سپاه و بیت) نفوذ جدی دارد. همان جریان فکری که بر زبان قاسم سلیمانی و ظریف و ولایتی و امثالهم جاری می‌شود و آشکارا تورک‌ها را دشمن قلمداد می‌کند و ما نمود عینی آن را در جنگ قاراباغ دیدیم. این خط فکری سال‌هاست پروژه روسی کوچک کردن آذربایجان و جداسازی آن از ترکستان (خزر) و ترکیه را دنبال می‌کند. این روند بعد از تغییرات ساختاری ژئوپلیتیک در شمال ایران (حل مسئله قاراباغ و عنایت یافتن اتحاد کشورهای تورک) سرعت محسوسی به خود گرفته است. پروژه ایجاد منطقه حائل از طریق کردیزه کردن غرب آذربایجان با شتاب هر چه تمام‌تر در حال اجراست. جریان ایران‌شهری می‌خواهد تا دیر نشده و مادامی که مکانیسم‌های قدرت را در دست دارد این منطقه حائل را ایجاد کند.

این پروژه در سه محور اجرایی می‌شود:

۱- استقرار دائمی (کمپ‌ها) گروه‌های تروریستی (در رأس آن پ‌ک‌ک و مشتقاتش) در کوهستان‌های غرب آذربایجان و ایجاد ساختارهای زیر بنایی آنها (مالی، لجستیکی، بهداشتی و غیره)

۲- گسترش و ساختارمند کردن کارتل‌های مافیایی □ تروریستی (مانند سیمیتقو و زیندشتی)  
۳- تغییر ساختار اداری مانند تعیین استاندار هوادار تروریسم، امام‌جمعه ایرانشهری و اخیراً نمایندگان مجلس هوادار تروریسم (شورای شهر و شهرداری هدف بعدی خواهند بود تا پازل تکمیل شود).  
و در نهایت ایجاد ارتباط ارگانیک و همکاری نزدیک این سه محور

هدف نهایی ایجاد یک قاراباغ و یا شمال سوریه جدید در شرایط خلأ قدرت است. در سیاست اصلی وجود دارد که می‌گوید «اگر حیطة‌ای را نمی‌توانی کنترل کنی آن را به کسی بسپار که کمترین تنش را با او داری». ایران این اصل را در شمال سوریه انجام داد و آنجا را به پ‌ک تحویل داد تا به دست ترکیه نیفتند. اسد با تلقین رژیم ایران نیروهای خود را از شمال سوریه عقب کشید و منطقه را به پ‌ک تحویل داد. از آن روز تاکنون هیچ درگیری جدی بین اسد و پ‌ک رخ نداده است. هرچند اسد و پ‌ک به توافق فراگیری نرسیده‌اند اما همواره نوعی همزیستی داشته‌اند. نیروهای اسد در برخی مناطق مانند فرودگاه قاملو هنوز حضور دارند. محله شیخ مقصود حلب هرچند تحت محاصره، تحت کنترل پ‌ک می‌باشد. پ‌ک برای جلوگیری از پیشروی ترکیه اجازه داده است نیروهای اسد به برخی مناطق بیزگردند؛ یعنی در تصویر کلی بین اسد و پ‌ک بیش از تخصص همکاری وجود داشته است. طبعاً رژیم ایران نیز همواره نقش هماهنگ‌کننده ایفا کرده است.

جریان ایرانشهری فکر می‌کند اگر روزی اتوریته جمهوری اسلامی متزلزل شود (که محتمل است) بهتر است غرب آذربایجان در دست کردها (مشخصاً پ‌ک) باشد نه تورک‌ها؛ زیرا کردها هم لقمه راحت‌تری هستند و هم در حال پسرعموهای آریایی هستند و می‌شود زبان مشترکی پیدا کرد، زیرا حلقه اتصال تشیع حداقل در مورد آذربایجان دیگر کارکرد سابق را ندارد. تجربه شمال سوریه برای جریان ایرانشهری تجربه شیرینی است.

در چنین شرایطی است که زیندشتی به یک‌باره در قواره یک بازیگر قدر قدرت و مهندس ارشد در غرب آذربایجان ظاهر می‌شود. ولی بر اهل فن عیان است که این قواره بر تن زیندشتی بسیار گشاد است. زیندشتی بدون پشتوانه سپاه و جریان ایرانشهری از خود وجودی ندارد. او فقط یک مهره است، آن هم مهره‌ای بدنام و کریه‌الچهره. چنین مهره‌ای نمی‌تواند تاریخ مصرف زیادی داشته باشد و چند صبحی بعد تاریخ مصرف آن به پایان خواهد رسید. زیندشتی به معنای واقعی کلمه یک بیر کاغذی دست‌ساز است و با اولین باران خیمه خواهد شد.

ولی مسئله توطئه‌های «محور شرارت ایرانشهری - تروریستی» در غرب آذربایجان یک مشکل جدی و ریشه‌ایست که مرتباً نموده‌های جدیدی خواهد یافت. توجه ملت تورک باید متوجه حل ریشه‌ای و بلندمدت این محور شرارت باشد. البته برای حل ریشه‌ای این مسئله پناه بردن به دامن جلاد یعنی رژیم جمهوری اسلامی ایران و اپوزسیون بدتر از رژیم یک خطای استراتژیک است.

ملت تورک در منطقه از قدرت و ظرفیت کافی برای حل این مسئله برخوردار است. تجربه قاراباغ را هیچ‌کس نباید فراموش کند. تورک‌ها، ۴۰ درصد جمعیت ایران هستند. در تمام کشور زندگی می‌کنند و هرچند از رأس نظام تصفیه‌شده‌اند ولی در بدنه ساختار حضور جدی دارند. تورک‌ها همچنین در میان دیگر ملل تحت ستم متفقین نزدیکی مانند عرب‌ها و بلوچ‌ها دارند. اگر محور شرارت می‌خواهد در غرب آذربایجان ملت تورک را در آچمز قرار دهد، باید دانست ملت تورک با استفاده صحیح از ظرفیت‌های خود می‌تواند محور شرارت را در تمام شمال غرب و مرکز و حتی جنوب و شمال شرق ایران آچمز کند. ملت تورک این ظرفیت را دارد که در تهران جریان ایرانشهری را آچمز کند. باید به‌جای پناه بردن به دامن جلاد، به خانه جلاد هجوم برد، هجوم فکری و گفتمانی.

آنچه نیاز است اراده راسخ مبارزاتی، تحلیل صحیح شرایط، ارزیابی دقیق توازن و توزیع نیروهای میدانی، گفتمان سازی اصولی و دربرگیرنده، اتخاذ شیوه‌های مبارزاتی هدفمند و دور از هیجان و البته صرف وقت و انرژی کافی می‌باشد.

خارج سال‌هاست تا حد توان و با جدیت در حال مبارزه با این غده سرطانی به اشکال و تاکتیک‌های مختلف هستند که به جسارت می‌گوییم که برخی از این فعالیت‌های ضد تروریستی و خنثی‌سازی شبکه‌های تروریستی بدون هیچ پروپاگاندا و شومن‌گری‌های رسانه‌ای انجام گرفته و می‌گیرد.

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان از جمله ساختارهای سیاسی و میدانی در غرب آذربایجان بود که به صورت تخصصی و استراتژی و تاکتیک‌ها درست و بدون «آلرژی سازی اثنیسی» در غرب آذربایجان با «رشد غده سرطانی تروریسم فعال در غرب آذربایجان» درگیر بود و توانست ضمن وارد کردن «ادبیات گفتمان نوین مبارزاتی» با مسئله برخورد کند.

در «ادبیات و گفتمان» کمیته مردمی دفاع از غرب مبارزه درازمدت استراتژیک با تاکتیک‌های میدانی همواره تأکید بر آن بود که مسئله تغییر ترکیب جمعیتی علیه ملت تورک آذربایجان جنوبی نه تنها در غرب آذربایجان بلکه در مناطق شرقی (سواحل خزر) و جنوب آذربایجان (زنجان، میانه، قزوین، بیجار و سونقور) در جریان بوده و هست و این پروژه با «نفرت سازی و آلژی سازی اثنیسی» امکان‌پذیر نبود و ایجاد و سازمان‌دهی نیروی آکادمیک، فعالیت رسانه‌ای آگاهی‌بخش، فعالیت‌های میدانی تخصصی

# مسئله تروریسم در غرب آذربایجان و تاکتیک صحیح مبارزاتی

اسماعیل جوادی

عضو شورای مرکزی تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان (دیرنیش)

وز بنیان‌گذاران کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان

مسئله غرب آذربایجان، حضور و فعالیت گروه‌های تروریستی (پ ک ک، کومله، دمکرات) و مافیای سیاسی و مالی هوادار تروریسم و همچنین فعالیت گروه تروریستی «آسالا» و تکفیری و سلفی در این منطقه و پروژه حمایت اطلاعاتی و لجستیکی سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات از این گروه‌های تروریستی و مافیایی برای اجرای پروژه‌های مختلف مانند تغییر ترکیب جمعیتی - اداری غرب آذربایجان و فعالیت‌های تروریستی در کشورهای هم‌جوار، تبدیل به یک غده سرطانی برای ملت ترک آذربایجان شده است.

لذا ملت تورک آذربایجان، تشکیلات‌های سیاسی، فعالین جنبش ملی و جوانان با نگاهی به تجربیات خونین دهه‌های قبل در آذربایجان جنوبی و منطقه قفقاز و آناتولی و با درک بسیار دقیق از بحران پیش روی «پروژه کانتون سازی در غرب آذربایجان» به‌حق تلاش دارند با اندک امکانات و علیرغم فشارهای اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی برای خنثی‌سازی «غده سرطانی تروریسم فعال در غرب آذربایجان» در میدان باشند. رسانه‌ها و تشکیلات‌های حرکت ملی آذربایجان در داخل و

و آماده‌سازی نسل ذهنی، فکری و آموزشی جوان تورک آذربایجانی، میسر خواهد بود. زیرا ما با مسئله بسیار بسیار مرکبی روبرو هستیم که هم «تهران» هم عناصر منطقی‌های البته قدرتهای بین‌المللی به دلایل تاریخی، پروژه‌های بین‌المللی و وجود ذخایر و انرژی‌های گران‌قیمت در آن دخیل می‌باشند.

از سال‌های ۱۹۰۰ میلادی و از حضور میسیونرهای آمریکایی، فرانسوی، انگلیسی در اورمیّه تا به امروز سواحل دریای خزر و غرب آذربایجان در رأس سیاست‌های بازیگران سیاسی «تهران، منطقه و جهان» بوده‌است.

لذا ما به‌عنوان یک ملت تحت استعمار در عین حالی که برای کسب حق تعیین سرنوشت ملی مبارزه می‌کنم در عین حال برای حفظ تمامیت ارضی خود مجادله می‌کنیم، باید همه جوانب مبارزاتی برای «خنثی‌سازی دشمن» با دقت در نظر داشته و استراتژی و تاکتیک‌های خود را اجرا کنیم. چون مناطق بحران‌زده آذربایجان جنوبی، خصوصاً غرب آذربایجان به‌مانند بشکه باروت آماده انفجار بوده و عدم آمادگی سیاسی و تشکیلاتی زایمان و انفجار بی‌موقع را به بار خواهد آورد که هم «نوزاد را تلف» و هم «موجب از دست دادن خیلی چیزها از جمله اراضی تاریخی‌مان» خواهد شد.

باید دقت داشته باشیم در جهان پرتلاطم که قطب‌بندی‌های سیاسی، اطلاعاتی، مالی و مافیایی سرنوشت مناطق و ملت‌ها را رقم می‌زند «آلرژی‌سازی انتنیک» و «آلرژی‌سازی مذهبی» راهکار مبارزه با غده سرطانی تروریسم نبوده و نیست. راه خنثی نمودن تروریسم و حفظ تمامیت ارضی در سواحل خزر و منطقه غرب آذربایجان از «آغوش جمهوری اسلامی و نهادهای امنیتی» آن نمی‌گذرد زیرا جمهوری اسلامی خود یکی از بازیگران بسیار خطرناک تروریسم در منطقه و غرب آذربایجان می‌باشد که با ابزارهای مختلف حتی از کارت‌های مواد مخدر «ناجی زیندشتی‌ها و گاکارین سمیتقو‌ها» و استقرار کمپ‌های گروه تروریستی «پ ک ک» علیه ملت تورک آذربایجان استفاده می‌کند.

تنها راهکار مبارزه با این غده سرطانی «سازمان‌دهی و بسط تشکیلات گرابی» و «لابی‌گری بین‌المللی» و «آموزش میدانی برای خنثی کردن شبکه ترور» می‌باشد.

«شعارها و تحرکات پوپولیستی» و «شومنی در فضای مجازی» بزرگ‌ترین ضربه به مبارزات و مجادله با تروریسم فعال در غرب آذربایجان هست. اجدادمان مثال بسیار ارزشمندی دارند؛ «سو گنیرمه‌دن، گیلیفی یاش ائدیملر» این ضرب‌المثل برای کسانی هست که هیچ‌آشنایی با جزئیات میدانی و مختصات خنثی‌سازی ترور و ساختارهای اجتماعی در منطقه نداشته و با «شومنی در فضای مجازی» یا تزریق «شعارهای دهن پرکن بی‌عمل به حرکت ملی» موجب آشفتگی بی‌دلیل در مسئله می‌شوند.

در غرب آذربایجان جنگ ما با انتنیک «اقلیت کرد» نیست یا در شرق آذربایجان و سواحل خزر با انتنیک «اقلیت تالش» نیست، همه اقلیت‌های انتنیک و مذهبی شهروندان آذربایجان آزاد و دمکراتیک در فردای آزادی با حقوق مساوی شهروندی هستند.

مبارزه ما با تروریسم و گروه‌های زیاده‌خواه فاشیست و نژادپرستی می‌باشد که مترسک نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی شده و علیه تمامیت ارضی و تورک‌های آذربایجان فعالیت می‌کنند.

به‌ناچار باید اعتراف کرد که مسئله خنثی نمودن غده سرطانی فعالیت گروه‌های تروریستی و توهّمات ارضی آنها دچار یک خطای استراتژیک و تاکتیکی شده است. بخش مهمی از این خطا و انحراف استراتژیک و تاکتیکی از طرف نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی بوده که توانسته‌اند «گفتمان اصیل مبارزاتی حرکتی ملی» را به گفتمان مطلوب خود تغییر داده و از هیجان و احساسات ملی بخشی از جوانان برای نیل به پروژه‌های درازمدت خود سو استفاده کنند و بخش دیگری از این خطا و انحراف با کمال تأسف از بطن حرکت ملی توسط کسانی که هیچ‌آشنایی بی‌با منطقه نداشته و یا کسانی که «شومنی فضای مجازی» هستند دچار مشکل شده است.

بعد از سیرک انتخاباتی مجلس الحکومه و مهندسی آن در غرب آذربایجان توسط نهادهای امنیتی

جمهوری اسلامی و میدان‌داری کارتل‌های مواد مخدر که دو نفر از اقلیت مهاجر دست‌نشانده حکومت به مجلس الحکومه راه یافت، فضا به دلیل فعالیت درست رسانه‌ای و تشکیلات‌های سیاسی آذربایجان کاملاً علیه حامیان جمهوری اسلامی در بین اقلیت مهاجر کورد شد. افکار عمومی و حتی اپوزیسیون به اصطلاح برانداز و حتی برخی از سیاسیون کورد معترف شدند که عدم حضور اکثریت تورک دلیل راه‌یابی دو عنصر حکومتی از اقلیت مهاجر کورد به مجلس الحکومه بوده و تورک‌ها با اکثریت قاطع «نه» بزرگی به جمهوری اسلامی گفتند. رسانه‌های حرکت ملی و شخصیت‌های سیاسی و تشکیلاتی حرکت ملی به صورت منطقی در حال تئوریزه کردن این مسئله بوده و هستند که عدم حضور تورک‌های آذربایجان در انتصابات، میدان را برای عناصر وابسته حکومتی اقلیت مهاجر کورد فراهم آورد و به صورت منطقی در حال افشا نقش کارتل‌های مواد مخدر مورد حمایت جمهوری اسلامی هستند و افکار عمومی و فعالین حقوق بشر و ناظر بین‌المللی نیز به این مسئله اشراف پیدا کرده‌اند. سخن پایانی اینکه؛ برای مبارزه و خنثی‌سازی توهمات ارضی در غرب و شرق آذربایجان باید استراتژی و تاکتیک منظم، درازمدت و مطابق با گفتمان منطقه‌ای و بین‌المللی اجرا نمود و بجای تهییج و به هدر دادن پتانسیل جوانان با شعارهای دهن پرکن و شومن بازی‌های مجازی به آموزش و سازمان‌دهی میدانی و هسته بندی مبارزاتی پرداخت تا هم در سیاست و لابی‌گری بین‌المللی توانست کاری پیش برد و هم در میدان توانست «دشمن را خنثی» کرد با «شومن بازی» و «ورود به ادبیات و گفتمان» جمهوری اسلامی مطمئناً زاویه را به‌عنوان یک ملت خواهیم باخت.

که نه تنها به انزوا و کاهش منابع مالی جنبش‌های کردی منجر شده، بلکه باعث بروز تفرقه و اختلافات درون جنبشی نیز شده است. در این راستا، به نتایج و پیامدهای این آمیختگی جنبش‌های کردی با خشونت و تروریسم خواهیم پرداخت.

### گرداب استعمار

تروریسم و خشونت در طول یک قرن اخیر، مانع توسعه جوامع کردی شده است. عدم امنیت در این مناطق به کاهش نرخ توسعه اقتصادی و افت شدید کیفیت آموزش منجر گردیده است. وضعیت اقتصادی ناپایدار و آموزش ضعیف به نوبه خود نارضایتی عمومی را افزایش داده است. این شرایط که به مانند مثلث آتش عمل می‌کند، فرصتی را برای دست‌اندرکاران تروریسم فراهم کرده است تا با نهادینه کردن خشونت در جامعه کردی، چرخه‌ای از بازتولید خشونت را رقم بزنند. از سوی دیگر، این مثلث شامل جامعه خشونت زده، مافیاهای درون‌سازمانی گروهک‌ها و نیاز مداوم آن‌ها به منابع مالی برای ترور و بقای خود، آن‌ها را وادار به خدمت در راستای منافع بازیگران اصلی خاورمیانه کرده است. در این زمینه، سیاست‌های توسعه‌طلبانه و ترور، عمدتاً به نفع منافع کردها نیست، اما حمایت بازیگران منطقه‌ای از این گروهک‌ها به‌منظور مقابله غیرمستقیم با یکدیگر، روزبه‌روز افزایش یافته است.

# تروریسم کردی و پیامدهای آن

بوران دؤنمز

عضو کمیته دانشجویی تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان  
(دیرنیش)

درحالی‌که جنبش‌های کردی در دوره‌ای از تاریخ آغاز می‌شوند که جهان درگیر جدال میان سه ایدئولوژی حاکم بر قرن بیست و یکم، یعنی ناسیونالیسم، کمونیسم و فاشیسم است، اما سهم این جنبش‌ها در تحولات ایدئولوژیک این قرن به میزان قابل توجهی مغفول مانده است. جنبش‌های کردی که خواستار استقلال و یا خودمختاری هستند، به شدت تحت تأثیر تحولات سیاسی و اجتماعی در منطقه، به‌ویژه در خاورمیانه و اروپای شرقی قرار گرفته‌اند. علی‌رغم پراکندگی کردها در کشورهای مختلفی چون عراق، ترکیه، سوریه و ایران، آرمان‌های آن‌ها همواره با تضادهای موجود میان قدرت‌های حاکم و ایدئولوژی‌های غالب مواجه بوده است.

در برابر ناسیونالیسم، جنبش‌های کردی سعی کرده‌اند هویت قومی و فرهنگی خود را به‌ویژه در مبارزات برای استقلال یا خودمختاری ملی تقویت کنند. همچنین، تأثیر کمونیسم و سوسیالیسم، به‌ویژه در جنبش‌های چپ‌گرا، بر بخش‌هایی از جنبش کردها محسوس بوده است؛ به‌طوری‌که برخی از گروه‌های کردی به ایدئولوژی‌های چپ‌گرا و ضد امپریالیستی گرایش پیدا کرده‌اند. با این حال، نقطه مشترک تمامی جنبش‌های کردی آمیختگی آن‌ها با تروریسم و خشونت است، موضوعی



به‌عنوان مثال، در اوایل دهه پنجاه، شاهد حمایت قابل توجه حکومت شاه و اسرائیل از گروه‌های مسلح کرد ضد بغداد بودیم. حکومت عراق که در مهر این شورش‌ها ناکام مانده بود، در نهایت ناچار شد به خواسته‌های ایران تن دهد که این وضعیت منجر به امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بین دو طرف گردید.

حزب پ.ک.ک با ایدئولوژی مارکسیستی، ضد امپریالیستی و ضد ترک به رهبری عبدالله اوجالان در سال ۱۹۸۷ تأسیس شد. یک سال بعد، وقوع انقلاب اسلامی ایران با ایدئولوژی شیعی-اسلامی و ضد امپریالیستی، زمینه را برای همکاری آن‌ها فراهم کرد. این موضوع تا جایی پیش رفت که گروهک تروریستی پ.ک.ک در دهه ۷۰ از خاک ایران برای تأسیس کمپها و آموزش‌های نظامی استفاده کرده و کوه‌های قندیل که تحت نظارت کامل مرزبانی ایران قرار داشت را به‌عنوان پایگاه اصلی خود انتخاب کردند. همچنین، در طول بیست سال اخیر، ده‌ها گزارش از ارائه خدمات درمانی به اعضای این گروهک در داخل ایران توسط ترکیه تهیه شده است.

### نیاز مالی گروهک‌های تروریستی و تبعات آن

اکنون که گروهک‌های کردی با نهادینه کردن خشونت در جامعه خود، تروریسم را به‌عنوان راهکاری برای حق‌طلبی معرفی کرده‌اند، به‌ناچار برای تأمین نیازهای مالی خود باید به معاملات مختلفی روی آورند که ملزومات تداوم ترور را فراهم کند. نیاز به تأمین منابع مالی برای خرید سلاح، تجهیزات و سایر ملزومات مرتبط با فعالیت‌های خشونت‌آمیز، این گروه‌ها را به سمت شکل‌گیری و گسترش روش‌های غیرقانونی سوق داده است. به‌علاوه، این گروه‌ها به شیوه‌های غیرقانونی چون قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان و اخاذی از جامعه محلی و حتی منابع دولتی روی آورده‌اند. هزینه‌های هنگفت جنگ به‌تدریج به کمرنگ شدن ایدئولوژی آن‌ها انجامیده است. حزب پ.ک.ک که در بدو تأسیس خود چهره‌ای ضد امپریالیست از خود نشان داده بود، اکنون سال‌هاست که به‌عنوان بازوی دولت‌های ضد آرمان‌گرای ترکیه‌ای نظیر آمریکا در خاورمیانه فعالیت می‌کند.

با نهادینه شدن خشونت در جامعه، این گروه‌ها به جذب جوانان و ایجاد شبکه‌های گسترده‌تری پرداخته‌اند که منجر به تشدید بحران امنیتی و اجتماعی در مناطقی از آذربایجان جنوبی نیز شده است. این وضعیت موجب بروز چرخه‌ای از خشونت، ترس و بی‌اعتمادی در میان مردم گردیده و شرایط را برای افزایش تنش‌ها و درگیری‌ها فراهم کرده است.

علاوه بر این، فشارهای بین‌المللی و تحریم‌های اقتصادی علیه ایران به این گروه‌ها کمک کرده است تا به دنبال منابع مالی جدید به‌عنوان شریک ایران در تجارت‌های غیرقانونی، از جمله مواد مخدر، برونند و به‌این ترتیب دامنه فعالیت‌های خود را گسترش دهند. در نهایت، این وضعیت به شکل‌گیری نوعی اقتصاد زیرزمینی و فعالیت‌های غیرقانونی با شراکت ارگان‌های رسمی ج.ا.ا. بخصوص سپاه پاسداران منجر شده است.

منافع مشترک پ.ک.ک با جمهوری اسلامی ایران تنها به اقتصاد و دشمنی با ترکیه محدود نمی‌شود. دو حکومت اخیر ایران، یعنی پهلوی و جمهوری اسلامی، با آگاهی از برتری ترک‌ها به‌عنوان وارثان اصلی خاک ایران امروز، با توسل به ایدئولوژی توسعه‌طلبی گروهک‌های تروریستی کردی، همکاری عمیقی در تغییر دموگرافی آذربایجان جنوبی داشته‌اند. ترک‌ها به‌عنوان اتیک غالب ایران با پشتوانه پیشینه سیاسی و اقتصادی درخشان در این جغرافیا اصلی‌ترین مانع توسعه‌طلبی فارسی می‌باشد در مقابل کردها به‌عنوان اتیکی قابل کنترل که سابقه سیاسی قابل توجهی در تاریخ منطقه نداشته‌اند و همچنین با توجه به اشتراکات فرهنگی آن‌ها با اتیک فارس معقول‌ترین گزینه برای سیستم تمامیت‌خواهی فارسی می‌باشد. مسئله زمامی غالب می‌شود که منافع قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای نیز که اتحادیه‌های جهان تورک را به‌عنوان خطری برای توازن قدرت تلقی می‌کنند نیز با منافع این گروهک‌های تروریستی کردی و جمهوری اسلامی منطبق می‌شود. احتمال بازگشت ترک‌ها به مسند قدرت در ایران



یا آذربایجان جنوبی و شکل‌گیری پلی بی‌واسطه از غرب تا شرق جهان ترک به‌ظاهر نقطه تضادی را منجر شده است و بطوریکه این همپوشانی منافع موجب نوعی اتحاد بین گروهک‌های مختلف تروریستی کردی، ج.ا.ایران، مخالفان ج.ا.ایران و قدرت‌های منطقه و فرا منطقه‌ای شده است. بطوریکه همه این گروه‌ها با وجود اختلافات عمیق در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی دارای اتحادی عمیق علیه ترک‌ها شکل داده‌اند. طبیعتاً چنین اتحادی با بیشمار امکانات منابع عظیمی را برای تداوم استعمار آذربایجان جنوبی و برای قدرت گرفتن تورک فراهم کرده است.

### نتیجه‌گیری

جنبش‌های کردی که در پی استقلال و خودمختاری هستند، تحت تأثیر ایدئولوژی‌های جهانی و منطقه‌ای قرار گرفته‌اند. آمیختگی آن‌ها با تروریسم و خشونت، یکی از مهم‌ترین موانع تحقق آرمان‌هایشان بوده و نه‌تنها به انزوای بین‌المللی این جنبش‌ها منجر شده، بلکه باعث بی‌ثباتی و خشونت پایدار در مناطق کردنشین شده است. گروه‌های مسلح کردی برای تأمین منابع مالی خود به فعالیت‌های غیرقانونی نظیر قاچاق و اخاذی روی آورده‌اند که این وابستگی، ایدئولوژی‌های اصلی آن‌ها را کم‌رنگ کرده و آن‌ها را به ابزاری برای بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل کرده است.

در مقابل، ترک‌ها به‌عنوان اتنیک غالب ایران با پیشینه سیاسی و اقتصادی درخشان، مانعی برای توسعه‌طلبی فارسی و حکومت‌های تمامیت‌خواه بوده‌اند. این حکومت‌ها با بهره‌گیری از کردها و گروه‌های تروریستی مانند پ.ک.ک، سعی در تضعیف ترک‌ها و تغییر دموگرافی به نفع خود داشته‌اند. همچنین، همپوشانی منافع جمهوری اسلامی و قدرت‌های منطقه‌ای با این گروه‌ها، منجر به شکل‌گیری اتحادی غیررسمی علیه ترک‌ها شده است. این اتحاد بر ترس از بازگشت ترک‌ها به قدرت در ایران یا آذربایجان جنوبی و ایجاد پلی بی‌واسطه از غرب تا شرق جهان ترک استوار است. در نتیجه، این همکاری‌ها موجب بی‌ثباتی، فقر و تغییرات جمعیتی در مناطق ترک‌نشین شده و مسیر توسعه و بازگشت ترک‌ها به قدرت را با چالش‌های جدی مواجه کرده است.

پس از انتخابات نمایشی ۱۱ اسفند ۱۴۰۲، چهارزمان سیاسی آذربایجان جنوبی در بینه‌ای به تحلیل این انتخابات و حواشی آن پرداختند که نشر این بیانیه تحلیلی در این نشریه خالی از لطف نیست.

# بیانیه تحلیلی سازمان‌های سیاسی آذربایجان جنوبی در خصوص انتخابات نمایشی ۱۱ اسفند و توطئه‌های رژیم در غرب آذربایجان

رژیم نیز خبری نیست و حتی نزدیکترین خودی‌ها نیز حذف شده‌اند تا انتخابات به تمام و کمال معنای خود را از دست بدهد و مجلس و نمایندگان به عناصر بی‌خاصیت تزئینی تبدیل بشوند.

با این حال رژیم و شخص دیکتاتور یعنی خامنه‌ای نیاز مبرمی نه به رای مردم، بلکه به حضور مردم در پای صندوق رای دارد تا به دنیا نشان دهد هنوز مردم پای رژیم ایستاده‌اند و از آن حمایت می‌کنند. همانگونه که خود خامنه‌ای و سران رژیم بارها تأکید کردند نمایش پرشور انتخاباتی صرفاً دلیلی خواهد بود بر مشروعیت و بیعت دوباره با نظام.

ولی درحالی‌که مردمان مناطق مختلف کشور با مشکلات بسیار جدی معیشتی رو به هستند، فقر و بیکاری و انواع فساد ساختاری بیداد می‌کند؛ زنان، جوانان، کارگران، معلمان، بازنشستگان و سایر طبقات اجتماعی از تنگنا و بی‌عدالتی به حد استیصال رسیده‌اند؛ کمر ملل تحت ستم زیر انواع ستم‌های مضاعف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خم شده است، رژیم راه هرگونه تنقید و نظر مخالف را بسته است و جواب هر اعتراض مدنی را با گلوله و سرکوب می‌دهد، زندان‌ها از زندانیان سیاسی و عقیدتی پر است و امار اعدام‌ها در جهان رکوردشکنی می‌کند، تأثیرات سیاست خارجی ماجراجویانه و مقابله کورکورانه با غرب

انتخابات ۱۱ اسفند از هر نظر یک انتخابات نمایشی و مهندسی شده بود و به معنای واقعی کلمه می‌توان آن را یک انتصابات نامید. زیرا در این نمایش انتخابات حق انتخاب شدن و انتخاب کردن در کمترین میزان آن نیز رعایت نشده بود. در این انتخابات نه تنها جریان‌های مخالف رژیم، بلکه جریان‌های درون رژیم و حتی جریان‌های درون طیف اصولگرا نیز از دور خارج شدند تا مجالس شورای اسلامی و خبرگان صد در صد مطیع و بدون کوچکترین اراده‌ای شکل بگیرند. این مجالس نمایشی و فرمایشی وظیفه تأیید جانشین خامنه‌ای را که گفته می‌شود به احتمال زیاد آقازاده مجتبی خامنه‌ای خواهد بود بدون کمترین مقاومتی و یا اظهار نظری به انجام خواهند رساند. با اینکه در طول عمر زینبار رژیم جمهوری اسلامی ایران هیچ وقت انتخابات آزاد انجام نگرفته است؛ ولی امروز دیگر حتی از رقابت درونی

زندگی شهروندان را غیر قابل تحمل کرده است و واقعاً چرا باید شهروندان در شوی انتخاباتی رژیم شرکت کرده و به آن مشروعیت می‌دادند؟! همچنانکه بخش اعظم شهروندان این کار را نکردند و رژیم را با عمیق‌ترین بحران مشروعیت طول عمرش تنها گذاشتند. به رغم ادعای رژیم مبنی بر مشارکت ۴۰ درصدی در کل کشور، که البته با آمارهای خود رژیم نیز کمترین مشارکت تاریخ جمهوری اسلامی است، مشاهدات عینی و برآوردها نشان می‌دهد مشارکت در کل کشور حدود ۲۰ درصد و در شهرهای بزرگ حدود ۱۰ درصد بوده است، که قطعاً یک شکست تاریخی و نهی بزرگ به رژیم جمهوری اسلامی می‌باشد.

در این بین آذربایجان و ملت تورک نیز با تشخیص صحیح منبع و منشأ مسائل که همانا خود رژیم و ساختار قرون وسطایی ولایت فقیه‌ی است، همچنانکه از ماه‌ها قبل قابل ارزیابی و پیش‌بینی بود، با تحریم گسترده از حضور در پای صندوق‌های رای اجتناب کرد. شواهد و قرائن نشان می‌دهد میزان مشارکت مردم در شهرهای بزرگ تماما و یا عمدتاً تورک‌نشین مانند تبریز، اورمیه، زنجان، اردبیل، قزوین، همدان، کرج و تهران بیش از ۱۰ درصد نیست. بی‌دلیل نیست که رژیم در یک روند انتصابی کامل، عناصر سرسپرده و خودفروخته‌ای مانند متفکر آزاد و پزشک‌یان را که از کوچکترین مقبولیتی در میان آحاد مردم برخوردار نیستند و مردم با عناوینی همچون مانقورد و ساتقین از آنان ییاد می‌کنند را در دور اول به عنوان نمایندگان تبریز راهی مجلس فرمایشی و نامشروع کرد. قطعاً چنین افرادی هیچ‌گاه نمایندگان آحاد مردم تورک نبوده‌اند و بعد از این نیز نخواهند بود. این افراد که از فیلترهای چند لایه گذشته و صداقت کامل خود به بیت و سپاه را اثبات کرده‌اند، نمایندگان مردم نیستند، نمایندگان رژیم هستند.

در این میان ولی وضعیت پیچیده و مشکل مناطق غرب آذربایجان خصوصاً شهرهای ماکو، سولدوز و اورمیه در مرکز دقت ملت تورک قرار گرفته است و مردم را به صورت فزاینده‌ای نگران کرده است. سیر و نتایج انتخابات نمایشی اخیر نشان داد که رژیم جمهوری اسلامی ایران به واسطه خط اتحاد جریان ایران‌شهری-گروه‌های تروریستی (خصوصاً پ‌ک‌ک-پژاک) در غرب آذربایجان پروژه تغییر ساختار سیاسی-اداری و در نهایت جمعیتی بر علیه ملت تورک را وارد فاز تازه‌ای کرده است.

به عنوان یک پیشینه تاریخی کوتاه شایان ذکر است که، پروژه جداسازی ترک‌های آذربایجان از ترکستان (به واسطه دریای خزر) و ترک‌های آناتولی یک پروژه قدیمی روسی است که با هدف قطع ارتباط جغرافیایی جهان تورک و تصاحب راحت‌تر این مناطق توسط روس‌ها پیش برده شد و به نتایج مشخصی نیز رسید.

در ایران نیز بعد از تحویل قدرت انحصاری به جریان ملی‌گرای فارسی توسط انگلیس و تبدیل این جریان به قدرت حکومتی، این سیاست از همسایه شمالی کپی‌برداری شد و طی سال‌ها با فراز و نشیب‌هایی تا به امروز رسید. در ایران پروژه کوچک کردن مملکت تاریخی آذربایجان و جداسازی جغرافیایی آن از خزر و ترکیه تاریخی طویل دارد. ولی این پروژه در سال‌های اخیر و تحت تأثیر عوامل متعدد داخلی و خارجی (مانند رشد بی‌سابقه بازگشت به خویشتن هویتی شهروندان تورک‌تبار در مناطق مختلف کشور، پیدایش و قوام مبارزات سازمان‌یافته مبتنی بر حقوق ملی در آذربایجان جنوبی، جدیت یافتن هر چه بیشتر فاکتوری به نام سازمان دولت‌های تورک، اتحاد استراتژیک و قدرت یافتن بیش از پیش محور باکو-انکارا، پیروزی استراتژیک آذربایجان در جنگ دوم قاراباغ و هزیمت استراتژیک اتحاد جریان ایران‌شهری-گروه‌های تروریستی در این مسئله) خصوصاً در غرب آذربایجان سرعت محسوسی به خود گرفت. استقرار کمپ‌های متعدد برای پ‌ک‌ک در مناطق غربی آذربایجان و استفاده از این کمپ‌ها به عنوان پایگاهی برای ارسال تروریست به ارمنستان و مناطق تحت اشغال قاراباغ، استقرار ساختارهای مالی، تدارکاتی، درمانی پ‌ک‌ک در شهرهای آذربایجان غربی، تعیین استاندارهای کردتبار که با پ‌ک‌ک روابط تنگاتنگ دارند و استارت تغییر ساختار سیاسی-اداری استان به نفع جریان هوادار گروه‌های تروریستی خصوصاً پ‌ک‌ک، باز گذاشتن دست باندهای مافیایی-قاچاقچی-تروریستی مانند سمیتقوها (بازماندگان

قصاب اورمیه اسماعیل سیمیتقو) و ناجی شریفی زیندشتی و تبلیغ و مشروع‌سازی آنان به عنوان افراد خیر و ریش‌سفید و غیره، از اهم اقدامات سال‌های اخیر رژیم در غرب آذربایجان است. شدت این اقدامات به حدی افزایش یافته است که موضوع حتی به رسانه‌ها و محافل سیاسی بین‌المللی نیز کشیده شده است.

جالب اینکه این اقدامات رژیم ایران و مشخصاً سپاه، در مقابل چشمان به اصطلاح ائمه جمعه و نمایندگان مجلس به اصطلاح هویت‌طلبی انجام شده و می‌شود که با ادعای دفاع از هویت ترکی از مردم رای گرفته‌اند؛ اما در عمل نه تنها کوچکترین اعتراضی نکرده‌اند بلکه به بازوی اجرایی و یا سوپاپ اطمینان رژیم تبدیل شده‌اند؛ امثال قاضی پور، بهادری، حضرت‌پور، ذاکر و غیره! که البته نیم‌نگاهی به سابقه این افراد نشان خواهد داد که انتظاری بیش از این نمی‌توان از این افراد سرسپرده، منفعت‌جو و عافیت‌طلب داشت.

در نمایش انتخاباتی اخیر نیز وضعیت از پیش کاملاً مشخص بود. وقتی فردی مانند حاکم ممکن که ارتباط او با شبکه پک‌ک-پژاک در غرب آذربایجان حتی بر شهروندان عادی محرز است، تأیید صلاحیت می‌شود؛ فردی مانند تروریست بین‌المللی ناجی شریفی زیندشتی که مدت‌هاست توسط ارگان‌های رسمی رژیم تمیزکاری می‌شود به عنوان فرد نیکوکار و ریش‌سفید علناً وارد صحنه می‌شود و با حمایت تبلیغی و مالی از آقای ممکن و دوستانش و نیز خرید هزاران کد ملی مهندسی انتخابات می‌کند، دیگر سران عشایر و ماموستاها در رأس آنان گاگارین سیمیتقو به اشاره سپاه پشت سر کاندید مرتبط با پک‌ک ردیف می‌شوند؛ آیا صحنه‌سازی پشت پرده کاملاً مشخص نیست؟

برای بهتر مشخص شدن نقش باندهای مافیایی-تروریستی اشاره کوتاهی بکنیم به آقای گاگارین سیمیتقو از حامیان اصلی آقای ممکن و دوستانش. نوه قصاب اورمیه گاگارین سیمیتقو و پسرش آرمان (بئوار) که در رأس باند مافیایی-تروریستی سیمیتقوها قرار دارند، از حلقه‌های رابط بین سپاه و پک‌ک بوده و شریان قاچاق مواد مخدر و انسان را در مناطق غربی اورمیه در دست دارند. گاگارین سیمیتقو در جریان تلاش رژیم ایران برای ترور توریست‌های اسرائیلی در ترکیه به‌عنوان عنصر سازمان‌دهنده در ترکیه دستگیر شد. او و رابطش فردی به نام فیروز (که اصالتاً ترک و اهل اورمیه است و مدتی با نام مستعار خان چوبان و ادبیات ملی‌گرای افراطی به برخی محافل سیاسی آذربایجان جنوبی نفوذ کرده بود) که برایش محل اقامت، ماشین و تلفن تهیه می‌کرد به ایران استرداد شدند. بعد این اقتضاح مذکور بود (افشا شدن طرح ترور توریست‌های اسرائیلی در ترکیه) که طائب از مسئولیت‌اطلاعات سپاه برکنار شد. ذکر این نکته از آن نظر حائز اهمیت است که مشخص شود صحنه‌گردانان انتخابات در غرب آذربایجان چه کسانی هستند.

همچنانی که دیده شد به رغم تحریم گسترده انتخابات توسط مردم این افراد تمامی سعی خود را برای گرم کردن تنور انتخابات به کار بستند و حتی با خرید ده‌ها هزار رای توسط جمع‌آوری کد ملی از شهرهای دیگر تلاش کردند هم میزان مشارکت را بیشتر نشان دهند و هم کاندید مورد نظر خود را به مجلس فرمایشی بفرستند.

در خصوص شیوه برخورد با این مسئله دو دیدگاه در میان فعالین تورک حاکم است.

گروهی معتقدند برای شکست این بازی سیاسی باید در غرب آذربایجان به صورت حداکثری رای داد تا هر طور شده حتی اگر شده افراد مانقورد تورک‌تبار به مجلس بروند تا جلوی تبلیغات و آمارسازی هواداران گروه‌های تروریستی هر چند مقطعی گرفته شود.

گروه دوم نیز معتقدند اولاً اطمینانی به شمارش صحیح آرا نیست و حتی اگر باشد نیز در اساس بازی تغییری نخواهد کرد. بازی‌گردان و صحنه‌آرای اصلی ارگان‌های رژیم است و تاکنون نیز تمامی بازی‌های سیاسی در غرب آذربایجان با وجود به اصطلاح نمایندگان هویت‌طلب و در سکوت آنان انجام گرفته است. مسئله اصلی موجودیت رژیم و تفکر حاکم بر آن است. لذا برای درمان یک غده سرطانی چه بسا نیاز به نشتری دردآور است و مسکن خواب‌آور فقط مرگ را نزدیکتر می‌کند.

برای هر دو دیدگاه فراخوان‌ها و بیانیه‌هایی داده شد و در نهایت دیده شد که نظر اکثریت جامعه به گزینه دوم نزدیکتر است و اکثریت معتقدند مشکل در سیستم حاکم است و باید آن را هدف قرار داد. هدف قرار دادن موضعی گروه‌های اقماری رژیم شاید مسکن باشد ولی درمان نیست. در این بین ولی برخی افراد همسو با ارگان‌های رژیم تلاش می‌کنند این تفاوت دیدگاه را به یک اختلاف درونی در حرکت ملی آذربایجان تبدیل کنند و در این مسئله توپ را از زمین خط اتحاد ایرانشهری-تروییستی به درون زمین حرکت ملی منتقل کنند. با توجه به سابقه این افراد در ایجاد اختلافات ایضایی درون حرکت ملی آذربایجان با توسل به ادبیات کمپنیستی افترازی و مرتدسازی که مخصوص جریان‌های دیکتاتورمآب مانند جمهوری اسلامی است، بایستی فعالین حرکت ملی و عموم ملت تورک در این مورد هوشیار باشند. در مسئله تغییر ترکیب و ساختار در غرب آذربایجان توپ در زمین اتحاد جریان‌های ایرانشهری-تروییستی است و نباید اجازه داد آن را به زمین حرکت ملی آذربایجان بفرستند تا انرژی ملتمان صرف مباحثات بی‌فایده درونی شود. ما چهار سازمان سیاسی آذربایجان جنوبی امضا کننده این بیانیه اعلام می‌کنیم در کنار ملت، مبارزات هویت طلبانه و هویت سرزمین‌مان هستیم و خواهیم ماند. به نظر و آرا ملتمان احترام می‌گذاریم و مطمئن هستیم که ملت با رصد درست اتفاقات و تحرکات گروه‌های تروییستی در منطقه، سنگر مبارزه با بدخواهان خاک آذربایجان را ترک نخواهند کرد و ایستادن در کنار ملت را ایستادن در سمت درست تاریخ می‌دانیم. ما معتقدیم مسئله اصلی تمامی ملل تحت ستم در ایران رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی است که تمام حقوق و آزادی‌ها را به زیر قبضه ظلم کشیده است. مجلس فرمایشی رژیم و نمایندگان منتصبش مشروع نیستند، مردم را نمایندگی نمی‌کنند و هیچ اعتباری ندارند. تنها راه نجات، گذر از این رژیم است؛ وگرنه هیچ یک از مشکلات به صورت صحیح و ساختاری حل نخواهد شد. حل دمکراتیک مسئله تروییسم در غرب آذربایجان نیز مانند دیگر مسائل با عبور از این رژیم و با اراده آزاد نمایندگان مشروع مردم آذربایجان از هر گروه و طیف و اندیشه‌ای قابل حل است نه از طریق تعامل با رژیم دیکتاتوری و گروه‌های تروییستی.

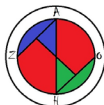
بی‌شک نجات تمامی مناطق کشور و از آن جمله آذربایجان جنوبی از چنگال رژیم ارتجاعی-فاشیستی و نیز پاک‌سازی آذربایجان غربی از لوث وجود گروه‌های تروییستی با اتکا به حق دفاع مشروع و اراده عمومی مردم راهکار اصلی برای حل نهایی مسئله خواهد بود

تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان - دیرنیش

جنبش دانشجویی آذربایجان - آزوح

حزب دمکرات آذربایجان جنوبی - گآدپ

حزب مرکز آذربایجان











# ۲۴ مهر

گونئی آذربایجاندا

تئرورا قارشی موجادیله گونو



مهر اولسون تئوريسم